

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۱۶ مهر ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۹۲

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

مجموعه تحولات بازتاب یافته در این گزارش، تصویری از هم‌زمانی بحران‌های چندلایه و رقابت روایت‌ها در سپهر سیاسی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای ایران، منطقه و نظام بین‌الملل ارائه می‌کند.

در حوزه سیاست داخلی، اسناد جریان رادیکال اصلاح‌طلبی با محورهای **مشروعیت‌زدایی**، **بازسازی عاملیت**، **تغییر موازنه قدرت** و تبدیل مطالبات به **برنامه اقدام عملیاتی** برجسته شده و هم‌زمان تلاش برای متهم ساختن منتقدان دولت به **افراطی‌گری** و **کارشکنی** بازنمایی می‌شود. در حوزه امنیتی-نظامی، آماده‌باش **سنتکام**، گزینه‌های حمله آمریکا، پیوند تصمیم‌نظامی با انتخابات، تحرکات گروه‌های مسلح در **جنوب شرق** و حملات به **کمپ بوه‌رینگ** محوریت دارد.

در حوزه رسانه‌های معاند و **ضدانقلاب**، **سالگرد هفت اکتبر**، **همدردی با اسرائیل**، **موج سواری پیرامون اعدام‌ها**، **فشار بر خانواده‌های دی‌ماه** و ادعای کمک مالی به حزب الله بازتاب یافته است. در حوزه اقتصادی، بحران گازوئیل در آمریکا، **هزینه‌های هرمز**، **گاز قطر**، **داروی بیماران خاص**، **تمرکز زیرساخت بانکی**، **نهاد‌های تولید و کالا بزرگ** برجسته می‌شود.

در حوزه منطقه‌ای، طرح‌های جایگزین **هرمز**، **مسیر بنیاس**، **جنگ یمن**، **عراق و ائتلاف‌سازی ضدایرانی** مطرح است.

در حوزه بین‌الملل، **آمریکا و غرب** نیز استیضاح عراقچی، شبکه نفوذ ایران در آلمان، بحران سیاسی رژیم صهیونیستی و ادعای انتقال مالی به حزب الله دیده می‌شود. برآیند این محورها، هم‌زمانی **فشار بیرونی**، **فرسایش درونی** و **نبرد روایت‌ها** است.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

❶ ترامپ طرحی برای حمله به ایران پیش از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا را بررسی می‌کند. پس از درخواست کاخ سفید، پنتاگون گزینه‌های در اختیار برای حمله به ایران را بررسی می‌کند. ترامپ می‌خواهد احراز پیشرفت درباره ایران و قیمت بنزین را پیش از انتخابات میان دوره‌ای نشان دهد. ترامپ احتمالاً دستور حمله به ایران پیش از انتخابات میان دوره‌ای را صادر خواهد کرد. (آتلانتیک)

❷ دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، با مداد پنجشنبه در سخنرانی در ایالت تگزاس درباره جنگ با ایران گفت این جنگ «خیلی زود» پایان خواهد یافت و ایران را «کشوری شکست خورده» توصیف کرد. (فاکس نیوز)

❸ دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، اعلام کرد که استیو ویتکاف، نماینده ویژه او در امور خاورمیانه، در حال مذاکره برای دستیابی به یک توافق احتمالی با ایران است و در این مسیر "بسیار خوب عمل می‌کند"؛ با این حال تاکید کرد که امضای توافق، نتیجه مورد علاقه یا مطلوب او نیست. (دویچه وله)

❹ دونالد ترامپ شامگاه چهارشنبه طی سخنرانی در تگزاس به انتقادها از سخنرانی جنجالی دوزخ پیش خود درباره حمله احتمالی ایران به لس آنجلس و سن دیگو واکنش نشان داد و گفت: «ما از شهرهای خودمان محافظت می‌کنیم. ما نمی‌گذاریم چنین اتفاقی بیفتد» (فاکس نیوز)

❺ مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا در یونان: غرب ارزش زندگی رامی داند اما ملاحای رادیکال ایران دنبال مرگ هستند؛ آنها بمب‌گذاران انتحاری را قهرمان می‌دانند اما قهرمانان ما برای زندگی بهتر خود را فدا می‌کنند. (صدای آمریکا)

❻ فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، سنتکام، با مداد با انتشار پیامی اظهارات یکی از فرماندهان سپاه پاسداران درباره بسته بودن تنگه هرمز و کنترل کامل ایران بر آن را «نادرست» خواند. سنتکام اعلام کرد تردد کشتی‌های حامل کالاهای تجاری و محموله‌های انرژی، از جمله ۲۰ میلیون بشکه نفت خام، در تنگه هرمز جریان دارد و افزود: «ایالات متحده و شرکای منطقه‌ای به وضوح کنترل تنگه را در اختیار دارند». (حساب ایکس سنتکام)

❼ وزارت خارجه فرانسه روز چهارشنبه اعلام کرد که سفیر ایران را احضار کرده تا نسبت به آنچه «کارزار اطلاعات جعلی هدایت شده از سوی مقام‌های ایرانی» درباره اعتراضات دانش‌آموزان دبیرستانی در فرانسه خواند، اعتراض کند. (خبرگزاری فرانسه)

❶ مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، با اشاره به اعدام علیرضا سپاهی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴، می‌گوید پیامدهای مجازات اعدام در جمهوری اسلامی به فرد اعدام شده محدود نمی‌شود، و خانواده‌های آنها نیز پیش و پس از اجرای حکم با

فشار، محرومیت و آزار روبه روی می شوند. (حساب ایکس مای ساتو)

❖ ترامپ: فکر نمی کنیم مورد طاعون در روسیه ربطی به سلاح بیولوژیک داشته باشد. (فاکس نیوز)
❖ دولت فرانسه پس از آنکه دست یک نوجوان در جریان اعتراضات دانش آموزی بر اثر انفجار نارنجک پلیس قطع شد استفاده از نارنجک های صوتی در این اعتراضات را به طور موقت متوقف کرد. (یورونیوز)

❖ وزیر امور خارجه بریتانیا، روز پنج شنبه ۸ اکتبر اعلام کرد کنسولگری کل این کشور در اورشلیم، برعکس دستور اسرائیل مبنی بر تعطیلی آن، همچنان به عنوان یک دفتر دیپلماتیک مستقل و فعال به کار خود ادامه خواهد داد. (بی بی سی)

❖ اتحادیه اروپا با افزودن ۱۶۴۶ نام به فهرست تحریم های مرتبط با جنگ روسیه علیه اوکراین موافقت کرد؛ اقدامی که بزرگ ترین گسترش یک باره این فهرست از آغاز تهاجم تمام عیار روسیه به شمار می رود. توافق روز چهارشنبه میان سفیران کشورهای عضو بروکسل حاصل شد و پس از چند هفته مذاکره و بررسی حقوقی به دست آمد. (یورونیوز)

❖ روسیه اعلام کرد پدافند هوایی این کشور در طول شب گذشته حدود ۴۰۰ پهپاد اوکراینی را رهگیری و منهدم کرده است. در همین راستا، ۲۶ فروند از این پهپادها در استان «ورونژ» واقع در جنوب غربی روسیه سرنگون شده اند. (راشاتودی)

❖ کره جنوبی به طور رسمی از احضار و فراخواندن سفیر خود از اوکراین خبر داد. (یونهاپ)
❖ وزارت جنگ آمریکا (پنتاگون) در حال بررسی ایجاد پایگاه های نظامی جدید در اسرائیل است. (نیویورک تایمز)

اخبار و تحركات محور عبری - منطقه ای

❖ بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، بار دیگر خواستار سقوط جمهوری اسلامی ایران شد و گفت "حتی برخی مخالفان اسرائیل نیز در گفت وگوهای پشت پرده خواهان پایان رژیم ایران هستند". نتانیا هو گفت: «امروز تمام جهان درک می کند که این رژیم باید سقوط کند». (پادکست تصویری NVP)

❖ به نقل از دو منبع آگاه: حزب الله لبنان ۲۰۰ میلیون دلار از جمهوری اسلامی ایران پول دریافت کرده است تا "بخشی از هزینه های حمایت از لبنانی های آواره شده در جنگ امسال با اسرائیل" را پوشش دهد. (رویترز)

❖ الحوثی: عربستان دوشادوش آمریکا و اسرائیل برای نابودی حزب الله تلاش می کند. (المسیره)
❖ بن سلمان به دنبال اعزام نیروهای سوری برای جنگ با انصارالله در یمن است. (اکسیوس)
❖ سوریه رسماً گزارش ها درباره اعزام نیرو به یمن را تکذیب کرد. (سانا)

❖ عراق از سوریه درخواست کرد در نزدیک ترین زمان به صادرات نفت خام از این کشور کمک کند.

- عراق از ابتدای نیمه ماه اکتبر جاری در آستانه صادر کردن محموله های نفت خود از طریق سوریه است. سوریه پیش بینی کرد روزانه ۱۰۰۰ محموله نفت خام صادراتی عراق را دریافت کند. **(بلومبرگ)**
- ❖ اداره کل هواپیمایی سعودی: یک شهروند سودانی در حمله به فرودگاه بین المللی «ملک خالد» در ریاض، جان باخت. همچنین پنج شهروند سعودی در این حمله زخمی شدند. به علاوه آنها، دو شهروند مصری و یک شهروند پاکستانی نیز در حمله به فرودگاه ریاض زخمی شدند. **(العربیه)**
- ❖ با پایان یافتن مهلت تعیین شده از سوی اسرائیل برای تعطیلی کنسولگری بریتانیا در قدس، این نهاد دیپلماتیک اقدام به پایین آوردن و برداشتن تابلوهای خود کرده است. **(رویترز)**
- ❖ ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، با مقایسه ناکامی های امنیتی و نظامی پیش از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس با ناکامی های جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳، هشدار داد که ارتش اسرائیل باید همواره خود را برای احتمال وقوع یک حمله غافلگیرانه آماده نگه دارد. **(کان نیوز)**
- ❖ عملیات تجارت دریایی بریتانیا: در حمله به یک نفتکش در شمال قطر خسارت جانی گزارش شده است. **(بی بی سی)**
- ❖ وزارت دفاع پادشاهی عربی سعودی چهارشنبه در بیانیه ای اعلام کرد سپهد ستاد محمد الغریبی، رئیس ستاد نیروی دریایی سعودی از دریا سالار کیرت رینشو، فرمانده نیروهای دریایی ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا «سنتکام» فرمانده ناوگان پنجم دریایی ایالات متحده دیدار کرد و دو طرف درباره همکاری دریایی فی مابین دو کشور در راستای منافع مشترک و تقویت امنیت دریایی و آزادی کشتیرانی دریایی در منطقه، گفت و گو کردند. **(العربیه)**
- ❖ دو منبع آگاه اظهار داشتند که نخستین خط استخراج گاز طبیعی مایع (LNG) در پروژه توسعه میدان شمال شرقی شرکت «قطر انرژی» برای آغاز بهره برداری در نوامبر آماده است و این توسعه به قطر امکان می دهد بخشی از تولید گاز از دست رفته خود در پی حملات ایران را جبران کند. **(العربیه)**
- ❖ یحیی سریع، سخنگوی انصارالله: نیروهای مسلح ما موفق شدند فرودگاه بین المللی ملک خالد در ریاض را با یک موشک بالستیک هدف قرار دهند. این موشک با دقت به هدف اصابت کرد و موجب اختلال در فعالیت و تردد فرودگاه شد. **(المسیره)**
- ❖ صدای انفجارهای شدیدی در ریاض شنیده شد. **(خبرگزاری فرانسه)**
- ❖ در پی تشدید حملات جمهوری اسلامی ایران به نفتکش ها در تنگه هرمز و حملات موشکی حوثی ها به عربستان، قیمت نفت در بازارهای جهانی نزدیک ۳ درصد افزایش یافت. **(رویترز)**
- ❖ عبور و مرور از تنگه هرمز به پایین ترین سطح در بیش از دو ماه کاهش یافت. **(الجزیره)**
- ❖ تحقیقی که توسط بی بی سی و شبکه آمریکایی ان پی پی آر انجام شده، فاش کرده است که یک ژنرال سابق سوری که به اتهام جنایت علیه بشریت تحت تعقیب است، با حمایت مالی و حفاظت مقامات لبنانی و آمریکایی در لبنان به سر می برد. **(بی بی سی)**

❖ رئیس امارات متحده عربی و رئیس جمهوری سوریه، طی یک تماس تلفنی، درباره آخرین تحولات منطقه‌ای بحث و تبادل نظر کردند. (خبرگزاری رسمی امارات)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

❖ قالیباف: دشمن از جنگ پر حجم به عملیات نظامی کوتاه مدت و فشار جدی اقتصادی - امنیتی روی آورده است. (تسنیم)

❖ شامگاه چهارشنبه ۱۵ مهرماه ۱۴۰۵، افراد مسلح ناشناس با استفاده از راکت‌های آرپی جی و سلاح‌های سبک و نیمه سنگین به یک مقر نظامی در شهرستان جالق (گلشن) از توابع استان سیستان و بلوچستان حمله کردند. (حال‌وش)

❖ به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی پلیس استان سیستان و بلوچستان، در پی وقوع انفجار در مسیر خروج دواکیپ انتظامی از ستاد فرماندهی انتظامی شهرستان گلشن، متعاقباً تیراندازی‌هایی از سوی افراد مسلح صورت گرفت که با واکنش شدید و مقتدرانه نیروهای انتظامی همراه شد. در پی آمادگی و واکنش سریع نیروهای جان‌برکف پلیس، یک نفر از تروریست‌های مهاجم به هلاکت رسید و تعدادی دیگر از عوامل مسلح نیز مجروح شدند. (تسنیم)

❖ «مرکز حقوق بشر در ایران» می‌گوید جمهوری اسلامی ایران در هفته‌های اخیر فشار بر هنرمندان، نویسندگان، شاعران، موسیقیدانان و دیگر چهره‌های فرهنگی را تشدید کرده و شماری از آنان را به دلیل آثار هنری و ادبی، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی یا بیان مسالمت‌آمیز دیدگاه‌هایشان بازداشت و زندانی کرده یا تحت پیگرد قرار داده است. (راديو فردا)

❖ عراقچی: در ماه می، سرویس پژوهشی کنگره آمریکا اذعان کرد که نیروهای مسلح ایران ۴۲ فروند از هواپیماهای نظامی آمریکا را از چرخه خارج کرده‌اند. اکنون این رقم به ۸۱ فروند رسیده است. تعداد واقعی به مراتب بیشتر است. مدرک؟ سنتکام اجازه نمی‌دهد حتی یک سناتور کنگره از پایگاه‌هایی که مدعی است وضعیت‌شان کاملاً عادی است، بازدید و آنها را بررسی کند. نمی‌توانید مردم را برای همیشه فریب دهید. (حساب ایکس عراقچی)

❖ ظهر امروز پنج‌شنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۵، افراد مسلح به خودروهای نیروهای نظامی در محور نیکشهر حمله مسلحانه کردند. (حال‌وش)

❖ فرماندار و رییس شورای تامین شهرستان زاهدان از حمله تروریستی به خودروی پلیس و درگیری مسلحانه در منطقه «نصرت‌آباد» خبر داد. (تسنیم)

❖ پلیس سیستان و بلوچستان: ساعتی قبل، گشت یگان تکاوری نصرت‌آباد در محور مواصلاتی خشک زاهدان، حین انجام مأموریت و تأمین امنیت مردم، مورد حمله تروریستی اشرار مسلح قرار گرفت. متأسفانه در جریان این حمله تروریستی، ستوان سوم وحید عنایت از کارکنان انتظامی به شهادت رسید. (تسنیم)

❶ روابط عمومی لشکر ۸۸ زرهی نزا جا: ساعتی قبل مینی بوس حامل کارکنان لشکر مستقر در سواحل مکران که برای تعویض شیفت در مسیر بودند، در محدوده شهرستان نیکشهر مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. متأسفانه در این درگیری یک نفر به نام «محمد رضا اوکاتی» به شهادت رسید و ۳ نفر مجروح شدند. (تسنیم)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ تداوم همگرایی سندهای راهبردی منتشرشده از سوی جریان رادیکال اصلاح طلبی در موازنه با نظام و شرایط فعلی کشور
- ❖ همگرایی مشترک بحران مشروعیت ساختاری در بستر تهدید خارجی و ناکارآمدی نظام توسط آذر منصوری و حزب توسعه ملی
- ❖ تبدیل مطالبات به برنامه اقدام عملیاتی شامل آزادی فعالان، بازنگری حجاب، تضمین تجمع، اصلاح گزینش و عفو ایرانیان خارج (در بیانیه حزب توسعه ملی)
- ❖ انتقال مشروعیت از حاکمیت به جامعه و تبدیل اصلاح طلبی از نیروی واکنشی به نیروی مطالبه گر فراگیر
- ❖ مشهودتر شدن اهداف هفت گانه جریان رادیکال شامل مشروعیت زدایی، بازسازی عاملیت، تغییر موازنه قدرت و آماده سازی افکار عمومی برای اصلاحات ساختاری
- ❖ تلاش جریان اصلاح طلب برای متهم ساختن منتقدان دولت به افراطی گری و اتخاذ رویکردهای کارشکنانه
- ❖ انتقال کانون نقد از عملکرد دولت به نیت منتقد با برچسب هایی چون افراطی، فرصت طلب و کارشکن توسط آرمین، رسولی، غرویان و جعفر گلابی
- ❖ مصون سازی دولت از پاسخگویی از طریق اولویت گذاشتن وحدت و جنگ و تبدیل نظارت پارلمانی به تهدید امنیتی

رصد و تحلیل

تداوم همگرایی سندهای راهبردی منتشرشده از سوی جریان رادیکال اصلاح طلبی در

موازنه با نظام و شرایط فعلی کشور

در شرایطی که کشور با تهدیدات نظامی خارجی، تحریم های فلج کننده، فرسایش روزافزون سرمایه اجتماعی و کاهش تاب آوری جامعه مواجه است، دوسند سیاسی اخیر — **یادداشت آذر منصوری**، **رئیس جبهه اصلاحات**، و **بیانیه حزب توسعه ملی ایران اسلامی** — منتشر شده اند. این گزارش با استناد به متن، تقاطع راهبردی این دوسند را به عنوان مصداق از اقدام مشترک علیه نظام تحلیل می کند.

یک. تشخیص مشترک: بحران مشروعیت در بستر تهدید خارجی

آذر منصوری می نویسد: «اگر سیاست نتواند از رنج مردم بکاهد... باید شجاعانه درباره شیوه بودن و ماندن خود تجدید نظر کند.» **حزب توسعه ملی** نیز «اعتماد عمومی، امید اجتماعی و

همبستگی ملی» را «مهم‌ترین سرمایه ایران» می‌داند و هشدار می‌دهد «هر سیاست، قانون یا رفتاری که شکاف میان دولت و جامعه را عمیق‌تر کند... قدرت ملی ایران را کاهش می‌دهد.» هر دو، ناکارآمدی نظام را نه خطای موردی، بلکه ویژگی ساختاری معرفی می‌کنند.

دو. راهبرد مشترک: تبدیل مطالبات به برنامه اقدام

منصوری از «بازاندیشی صادقانه، بازسازی شجاعانه و بازگشت واقعی به جامعه» سخن می‌گوید. **حزب توسعه ملی** همین را در شش بند عملیاتی می‌کند: آزادی فعالان سیاسی، بازنگری حجاب، تضمین حق تجمع، اصلاح گزینش، عفو ایرانیان خارج از کشور، و پرهیز از قوانین مبهم. این شش بند، مجموعه‌ای از مطالبات حداقلی است که در صورت اجرا، ساختار کنترل نظام را تضعیف می‌کند.

سه. مخاطب مشترک: جامعه به عنوان جایگزین مشروعیت

هر دو سند، مشروعیت را از حاکمیت به جامعه منتقل می‌کنند. **آذر منصوری** می‌گوید: «جامعه ایران تغییر کرده است... اصلاح طلبی نمی‌تواند این تغییر را نادیده بگیرد.» **حزب توسعه ملی** نیز «وحدت ملی پایدار» را «محصول یکسان سازی جامعه یا خاموش کردن صداها و متفاوت» نمی‌داند. این چرخش، جامعه را به منبع اقتدار و حاکمیت را به موضوع پاسخ‌گویی تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری: اقدام مشترک علیه نظام

این دو سند، نه یک نقد موردی، بلکه یک پروژه سیاسی مشترک را ترسیم می‌کنند: **مشروعیت‌زدایی** از نظام از طریق برجسته‌سازی شکاف حاکمیت-ملت، و ارائه برنامه جایگزین مبتنی بر آزادی‌های مدنی. هدف نهایی، تبدیل اصلاح طلبی از نیروی واکنشی به نیروی مطالبه‌گر فراگیر است.

اهداف جریان رادیکال اصلاح طلبی

۱. مشروعیت‌زدایی: نمایش نظام به عنوان ناکارآمد و فاقد مشروعیت
۲. بازسازی عاملیت: تبدیل اصلاح طلبی به نیروی مؤثر و سازمان یافته
۳. تغییر موازنه قدرت: انتقال مشروعیت از حاکمیت به جامعه
۴. نهادسازی مطالبات: تبدیل خواسته‌ها به برنامه قانونی و اجرایی
۵. بین‌المللی‌سازی: جلب حمایت خارجی از طریق بازگشت ایرانیان و عفو عمومی
۶. فشار تدریجی: اجرای گام به گام اصلاحات برای تضعیف ساختار کنترل
۷. آماده‌سازی افکار عمومی: ایجاد «الزام ماهیتی» برای پذیرش تغییرات ساختاری بانام «اصلاحات حاکمیتی»

جمع‌بندی

این دو متن، نمونه‌ای از هم‌سویی راهبردی جریان رادیکال اصلاح طلبی علیه نظام است. هدف، نه براندازی سریع، بلکه فرسایش تدریجی مشروعیت و ایجاد جایگزین اجتماعی برای قدرت است.

تلاش جریان اصلاح طلب برای متهم ساختن منتقدان دولت به افراطی‌گری و اتخاذ رویکردهای کارشکنانه

در فضای سیاسی کنونی ایران که با جنگ، تحریم و فشارهای اقتصادی هم‌زمان شده، رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان در دهمین همایش ملی سلامت معنوی اسلام گفت: «به جای پرونده‌سازی و طرد دیگران از دایره اجتماعی باید تکیه‌گاه باشیم» و تأکید کرد نمی‌توان صرفاً با «ادعا، تبلیغات، رسانه یا ادبیات دینی» خود را متصف به ارزش‌های اسلامی دانست. این اظهارنظر، در کنار مجموعه‌ای از مواضع چهره‌های شاخص اصلاح طلب، الگویی رسانه‌ای را شکل داده که در آن هر انتقاد به دولت به «افراطی‌گری»، «کارشکنی» و «عطش قدرت» نسبت داده می‌شود.

ارزیابی خط رسانه‌ای

❶ **محسن آرمین، نایب رئیس جبهه اصلاحات ایران، در گفت‌وگو با ایلنا** بدون ارائه سند، «تحركات تبلیغاتی و سیاسی سازمان یافته وسیع علیه دولت» را به «جریان افراطی و تمامت‌خواهی» نسبت می‌دهد که «عطش تصاحب کامل قدرت» دارد. او شایعه استعفا، طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور و دعوت به شورش را در همین چارچوب تحلیل می‌کند و صریحاً از همه اصلاح‌طلبان می‌خواهد «حمایت از دولت و دستگاه دیپلماسی» را در دستور کار قرار دهند. این تعبیر، هر نقد ساختاری به کابینه را به توطئه‌ای علیه نظام فرو می‌کاهد.

❷ **حسن رسولی، نایب رئیس جبهه اصلاحات، با اولویت‌گذاشتن «دفاع و صیانت از کیان کشور»** بر هر مسأله دیگر، هشدار می‌دهد اصلاح ساختار مدیریتی «نباید به صورت افراطی توسط مجلس» مطرح شود. او بدون آنکه مصداق مشخصی ارائه دهد، معیار را «مصلح ملی» در برابر «مقاصد باندي و جناحی» می‌گذارد؛ دوگانه‌ای که عملاً هر استیضاح یا نظارت پارلمانی را ذیل «جناح‌بازی» تعریف می‌کند.

❸ **محسن غرویان، استاد حوزه و دانشگاه [روحانی اصلاح طلب]، در یادداشتی با عنوان «تضعیف دولت به ضرر ملت»** طرح استیضاح وزرا را ناشی از «هوای نفس»، «اغراض شخصی» و «تسویه حساب‌های شخصی» می‌داند و صداوسیما را متهم می‌کند که «رای ملت، منتخب ملت و دولت» را تضعیف می‌کند. او منتقدان را به «نابسامانی اخلاق سیاسی» متهم می‌کند؛ اتهامی که بار ارزشی سنگینی دارد و امکان گفت‌وگوی انتقادی را محدود می‌سازد.

❹ **جعفر گلابی در روزنامه اعتماد** صریح‌تر عمل می‌کند: هر کسی که «کوچک شدن سفره مردم» را برجسته کند، به «حواشی‌سازی»، «خودتحقیر» و «به حاشیه راندن دفاع از میهن» متهم می‌شود. او با تعبیر «رندان فرصت طلب» و «سوپرآزادی‌خواهان»، منتقدان دو جناح رايکسان سازی می‌کند و می‌گوید «هیچ مسأله‌ای بر دفاع از میهن رجحان ندارد».

- ❖ **نخست**، این چهار موضع یک هم‌گرایی آشکار را نشان می‌دهند: انتقال قانون نقد از «عملکرد دولت» به «نیت منتقد». ابزار مشترک، برچسب‌هایی چون افراطی، فرصت طلب، هوانفسانی و کارشکن است که جای استدلال را می‌گیرند و هزینه‌ی سیاسی هر پرسش را بالا می‌برند.
- ❖ **دوم**، این چتر حمایتی نه دفاعی صرف، بلکه یک راهبرد رسانه‌ای است: با اولویت گذاشتن «وحدت» و «جنگ»، هر نظارت پارلمانی یا نقد رسانه‌ای به تهدید امنیتی تبدیل می‌شود. نتیجه، مصون‌سازی دولت از پاسخگویی در حساس‌ترین شرایط کشور است.
- ❖ **سوم**، این رویکرد در کوتاه‌مدت انسجام می‌سازد، اما در بلندمدت با سرکوب نقد درون‌حاکمیتی، همان شکاف اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند که اصلاح‌طلبان مدعی مهار آن‌اند.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

❖ طرح ادعای آماده‌باش سنتکام و تکمیل سناریوهای حمله گسترده آمریکا به اهداف راهبردی ایران

❖ پیوند تصمیم نظامی ترامپ با محاسبات انتخاباتی و نگرانی از پیامدهای اقتصادی جنگ
❖ طرح تشدید هماهنگی واشنگتن و تل‌آویو برای اقدام نظامی احتمالی در سایه بن‌بست مذاکرات
❖ گمانه‌زنی پیرامون تحریک ایران به حمله پیش‌دستانه با هدف ایجاد اجماع سیاسی و انتخاباتی در آمریکا و اسرائیل

❖ بیان افزایش احتمال تشدید درگیری پس از انتخابات آمریکا و نگرانی از پاسخ متقابل ایران
❖ طرح موضوع بالا رفتن سطح تسلیحاتی و احتمال اجرای عملیات ترکیبی علیه مقر انتظامی گلشن سیستم و بلوچستان

❖ تاکید بر ازدیاد تحرکات گروه‌های مسلح و تجزیه طلب در جنوب شرق ایران
❖ فرضیه پردازی در مورد بهره‌برداری از ناامنی‌های مرزی برای مشغول‌سازی و فرسایش توان نیروهای امنیتی و نظامی ایران

❖ مطرح شدن احتمال تلاش برای گسترش ناامنی از مناطق مرزی به عمق سرزمینی ایران
❖ تاکید بر امکان استفاده از درگیری‌های موضعی به عنوان پوشش تحرکات پنهان گروه‌های مسلح در سایر مناطق ایران

❖ افشای ابعاد جدید حملات ترکیبی موشکی و پهپادی ایران به پایگاه راهبردی کمپ بوهرینگ آمریکا در کویت و خسارات وارده به تأسیسات نظامی
❖ آشکارسازی ضعف پدافندی و کمبود مهمات دفاعی نیروهای آمریکایی در برابر حملات مستمر ایران

❖ اعلام تخلیه پایگاه کمپ بوهرینگ و انتقال نیروهای آمریکایی به مواضع پراکنده در صحرای کویت تحت فشار حملات ایران

❖ تشدید افشاگری رسانه‌ای درباره خسارات جنگ با ایران و احتمال بهره‌برداری انتخاباتی دموکرات‌ها علیه جمهوری خواهان

❖ احتمال دهی به بهره‌برداری جریان‌های امنیتی و نظامی آمریکا از افشای خسارات برای توجیه تشدید حملات و به کارگیری گزینه‌های نظامی نامتعارف علیه ایران؛ سناریویی فاقد شواهد تأیید شده

پیوند گزینه نظامی ترامپ با محاسبات انتخاباتی آمریکا و اسرائیل با آماده باش سنتکام برای دور جدید حملات به ایران

گزارش‌های اختصاصی آتلانتیک و آکسیوس در از ورود دولت ترامپ به مرحله جدیدی از بررسی گزینه‌های نظامی علیه ایران حکایت دارد. براساس این گزارش‌ها، کاخ سفید از پنتاگون خواسته گزینه‌های حمله به ایران، حتی پیش از انتخابات میان دوره‌ای ۳ نوامبر آمریکا، را آماده کند و فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) نیز مأمور تکمیل آمادگی برای ازسرگیری عملیات رزمی گسترده شده است. با وجود این، هنوز تصمیم نهایی برای اجرای حملات اتخاذ نشده و زمان، دامنه و اهداف احتمالی عملیات محل اختلاف در دولت آمریکاست.

تکمیل طرح‌های عملیاتی برای حملات گسترده

آکسیوس به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داده که پنتاگون چند روز پیش به سنتکام دستور داده آمادگی‌های لازم برای ازسرگیری عملیات نظامی علیه ایران را تکمیل کند. سناریوهای مورد بررسی، از حملات محدود تا بمباران گسترده تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های انرژی و سایر اهداف راهبردی ایران را در بر می‌گیرد. این دستور فاقد زمان بندی مشخص برای آغاز عملیات است.

تأثیر محاسبات انتخاباتی بر تصمیم نظامی ترامپ

آتلانتیک به نقل از دو مقام دولت آمریکا گزارش داده که یکی از انگیزه‌های بررسی حملات پیش از انتخابات، تلاش ترامپ برای نمایش پیشرفت در جنگ و کاهش فشار ناشی از افزایش قیمت سوخت است. با این حال، برخی مشاوران وی معتقدند تشدید درگیری پیش از انتخابات می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

افزایش هماهنگی نظامی و سیاسی واشنگتن و تل‌آویو

آکسیوس گزارش داده که تیم امنیت ملی ترامپ در نشست چند ساعته کمپ دیوید، موضوع ازسرگیری عملیات علیه ایران را بررسی کرده است. همچنین ترامپ و نتانیاهو طی روزهای اخیر دوبار گفت‌وگو کرده‌اند. منابع آمریکایی و اسرائیلی احتمال اقدام نظامی پیش از انتخابات دو کشور را مطرح کرده‌اند، هرچند ارزیابی منابع آکسیوس از احتمال حمله پیش از انتخابات آمریکا پایین‌تر از دوره پس از آن است.

بن‌بست مذاکرات و استمرار فشار نظامی

براساس گزارش آکسیوس، مذاکرات غیرمستقیم با میانجیگری قطر پیشرفت محسوسی نداشته و میانجی‌ها همچنان منتظر پاسخ ایران به پیشنهاد متقابل آمریکا درباره امتیازات هسته‌ای هستند.

نگرانی از تبعات پاسخ متقابل ایران

گزارش‌های آمریکایی هشدار می‌دهند که آغاز دور جدید حملات می‌تواند به پاسخ موشکی ایران علیه اسرائیل، تهدید نیروهای آمریکایی در منطقه، تشدید اختلال در کشتیرانی و افزایش قیمت انرژی منجر شود. این نگرانی‌ها در شرایطی مطرح است که واشنگتن هم‌زمان با فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ، با مسئله مصرف ذخایر مهمات و استمرار تهدیدهای نامتقارن مواجه است.

تحلیل و برآورد

مجموع گزارش‌ها نشان‌دهنده افزایش آمادگی عملیاتی آمریکا برای دور جدید درگیری با ایران است، اما به تنهایی از قریب الوقوع بودن حمله حکایت ندارد. تفکیک میان آماده‌سازی گزینه‌های نظامی و صدور فرمان اجرای عملیات اهمیت اساسی دارد؛ زیرا واشنگتن می‌تواند از این آمادگی هم برای تشدید فشار در مذاکرات و هم برای حفظ امکان اقدام نظامی استفاده کند.

در سطح سیاسی، انتخابات آمریکا به متغیری دوگانه در محاسبات ترامپ تبدیل شده است؛ از یک سو نمایش قدرت نظامی ممکن است از نگاه برخی مشاوران وی دستاوردی سیاسی تلقی شود و از سوی دیگر، پاسخ متقابل ایران و جهش احتمالی قیمت انرژی می‌تواند هزینه‌های داخلی جنگ را افزایش دهد.

احتمال تلاش واشنگتن و تل‌آویو برای تحریک ایران به اقدام نظامی پیش‌دستانه نیز قابل طرح است؛ سناریویی که می‌تواند با قرار دادن ایران در جایگاه آغازگر دور جدید درگیری، زمینه تقویت انسجام داخلی و شکل‌گیری اجماع سیاسی حول دولت‌های مستقر در آمریکا و اسرائیل را در آستانه انتخابات فراهم کند.

در مجموع، دوره پس از انتخابات ۳ نوامبر یکی از مقاطع مهم برای رصد احتمال تشدید عملیات نظامی خواهد بود؛ با این حال، تحولات مذاکرات، وضعیت تنگه هرمز و تصمیمات مشترک واشنگتن و تل‌آویو می‌توانند این محاسبات را تغییر دهند.

تشدید سطح تسلیحاتی حملات در جنوب شرق کشور با هدف مشغول‌سازی نیروهای امنیتی و نظامی در آستانه جنگ جدید

شامگاه چهارشنبه مقر فرماندهی انتظامی شهرستان گلشن به مرکزیت جالق در استان سیستان و بلوچستان هدف حمله مسلحانه قرار گرفت. این حادثه که وقوع آن از سوی منابع رسمی داخلی و برخی رسانه‌های محلی تأیید شده است، اما با این حال هریک از رسانه‌ها اعم از داخلی، معاند و محلی با روایت‌های متفاوتی این اقدام تروریستی را پوشش داده‌اند. زمان، نوع تسلیحات، میزان تلفات، نوع اجرای عملیات و گروه‌های درگیر در این اقدام در روایت‌های رسانه‌ای رصد شده متفاوت است. منابع محلی نزدیک به جریان‌های جدایی طلب بلوچ از حمله

راکتی و تیراندازی سنگین به مقر انتظامی خبر داده‌اند، در حالی که پلیس سیستان و بلوچستان، حادثه را انفجار در مسیر خروج دواکیپ انتظامی و متعاقب آن تیراندازی مهاجمان توصیف کرده است.

جزئیات حمله و روایت منابع مخالف

پایگاه خبری حال و ش با انتشار ویدئویی از محل درگیری مدعی شد افراد مسلح با استفاده از راکت آرپی جی و سلاح‌های سبک و نیمه سنگین به مقر فرماندهی انتظامی واقع در خیابان امام خمینی جالق حمله کرده‌اند. به روایت این رسانه، یک دستگاه خودروی تویوتا هایلوکس متعلق به نیروهای پشتیبانی انتظامی نیز هدف قرار گرفته و سرنشینان آن کشته یا زخمی شده‌اند. با این حال، تعداد تلفات و میزان خسارات ادعایی به طور مستقل تأیید نشده است. رسانه معاند «همگام» نیز از وقوع انفجار اولیه و ادامه تیراندازی در بخش‌هایی از شهر خبر داده است. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس سیستان و بلوچستان نیز با تاخیر در اطلاع‌رسانی اعلام کرد حمله با وقوع انفجار در مسیر خروج دواکیپ انتظامی از ستاد فرماندهی گلشن آغاز شده و سپس مهاجمان اقدام به تیراندازی کرده‌اند. براساس این اطلاعیه، در جریان مقابله نیروهای انتظامی، یک مهاجم کشته و تعدادی دیگر مجروح شده‌اند و سایر مهاجمان از محل گریخته‌اند. پلیس همچنین از ادامه اقدامات امنیتی برای شناسایی عوامل حمله خبر داده است. در روایت رسمی، استفاده از راکت تأیید نشده و آمار مشخصی از تلفات احتمالی نیروهای انتظامی ارائه نشده است.

ابهام درباره عوامل حمله

تاکنون در اطلاعیه رسمی پلیس، گروه مشخصی به عنوان عامل عملیات معرفی نشده است. هرچند با توجه به سابقه فعالیت «جبهه مبارزین مردمی»، احتمال ارتباط این حمله با گروه یادشده مطرح است.

از سوی دیگر، کانال منتسب به «جبهه مبارزین مردمی» طی اطلاعیه‌ای مسئولیت حملات دیشب را بر عهده گرفته و اعلام داشته است در این حمله با استفاده از مین و همچنین بهره‌گیری از آرپی جی، خودروی حامل فرمانده ستاد فرماندهی فراجا را در حین ورود به مقر هدف گرفته و نیروهای موجود در پاسگاه رازیر آتش قرار داده است.

تحلیل و برآورد

الگوی انفجار اولیه و تیراندازی متعاقب آن، احتمال اجرای یک حمله ترکیبی با هدف غافلگیری و وارد کردن تلفات به نیروهای انتظامی را تقویت می‌کند. انتخاب جالق به عنوان یکی از مناطق مرزی حساس سیستان و بلوچستان نیز می‌تواند نشان‌دهنده استمرار تهدید گروه‌های مسلح علیه مراکز و نیروهای امنیتی در جنوب شرق کشور باشد. در صورت تأیید استفاده از راکت و

هدف‌گیری خودروی پشتیبانی، این حادثه از منظر سطح تسلیحات و دامنه درگیری اهمیت بیشتری خواهد یافت.

روند ایجاد ناامنی و تحرکات گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی در جنوب شرق نشان دهنده افزایش تحرکات و برنامه ریزی گسترده برای ناامن سازی این منطقه حساس در کشور همزمان با برنامه جنگی آمریکا و اسرائیل علیه ایران است.

مشغول سازی نیروهای امنیتی و نظامی در مناطق مرزی و تلاش برای ایجاد درگیری محاسباتی دیگر سناریوی دشمن در شرایط فعلی است. این رفتار و کنش می تواند با دو هدف صورت بگیرد:

❶ ایجاد ناامنی و تسری آن به عمق سرزمین

❷ مشغول سازی نیروهای امنیتی در یک نقطه به عنوان پوشش و تحرکات پنهان و تروریستی در نقطه دیگر برای تجهیز، برنامه ریزی و اقدام در شرایط ویژه در نقطه دیگر

تداوم افشای ابعاد حملات ایران به پایگاه راهبردی آمریکا در کویت؛ از کمبود مهمات پدافندی تا عقب نشینی نیروهای آمریکایی

گزارش اختصاصی سی بی اس نیوز روز گذشته با انتشار تصاویر جدید و اظهارات نظامیان آمریکایی، ابعاد تازه‌ای از حملات موشکی و پهپادی ایران به پایگاه «کمپ بوهرینگ» در کویت و عقب نشینی نیروهای آمریکایی از این پایگاه را آشکار کرده است. این گزارش نشان می دهد حملات ایران در روزهای ابتدایی جنگ، علاوه بر وارد کردن خسارات به ساختمان ها و تجهیزات نظامی، موجب فشار بر سامانه های دفاعی، کمبود مهمات و در نهایت تخلیه پایگاه و انتقال نیروهای باقی مانده به مناطق بیابانی کویت شده است. در ادامه به ابعاد حملات و میزان آسیب پذیری پایگاه پرداخته شده است.

حملات ترکیبی ایران

پایگاه کمپ بوهرینگ، واقع در حدود ۴۰ کیلومتری مرز عراق و از مراکز اصلی استقرار و پشتیبانی نیروهای آمریکایی در منطقه، هدف حملات مکرر موشک های بالستیک و پهپادهای ایران قرار گرفت. تصاویر تأیید شده سی بی اس نیوز، لحظات اصابت و خسارات وارده به تأسیسات و تجهیزات نظامی را نشان می دهد.

ادعای مشارکت جنگنده های اف ۵ ایران

سه نظامی آمریکایی مدعی شده اند جنگنده های اف ۵ ایران نیز در حملات مشارکت داشته اند. یکی از شاهدان فاصله پرواز جنگنده ها را به اندازه ای نزدیک توصیف کرده که امکان مشاهده کلاه خلبانان وجود داشته است؛ با این حال، این ادعا هنوز مستقلاً تأیید نشده است.

کمبود مهمات و ضعف پدافندی

براساس اظهارات نظامیان و تأیید یک مقام ارشد لجستیکی ارتش آمریکا، مدافعان پایگاه با کمبود شدید مهمات کالبر ۱۲۰ میلی متری و نگرانی درباره دسترسی به تجهیزات و مهمات پدافندی پیشرفته، از جمله سامانه پاتریوت مواجه شده بودند.

عقب نشینی و تخلیه پایگاه

پیش از آغاز جنگ، بخش عمده حدود ۷ هزار نیروی مستقر در پایگاه جابه جا شده بودند، اما بیش از ۱۰۰ نظامی در آن باقی ماندند. با استمرار حملات، این نیروها نیز شبانه پایگاه را ترک کرده و به مواضع موقت در صحرای کویت منتقل شدند. آنان در ماه مه ابتدا به کمپ عریفجان و سپس به سایر مناطق انتقال یافتند.

خسارات و تلفات

به گفته منابع آمریکایی، در کمپ بوهرینگ و مواضع موقت بعدی، هیچ نظامی بر اثر آتش دشمن کشته نشد، اما تعدادی مجروح شدند. سنتکام از اظهار نظر درباره جزئیات گزارش خودداری کرده و پنتاگون نیز به توضیحات قبلی وزیر دفاع درباره جابه جایی پیشگیرانه نیروها ارجاع داده است.

تحلیل و برآورد

افشاگری سی بی اس نیوز نشان دهنده توان ایران در ایجاد اختلال عملیاتی و تحمیل هزینه به شبکه پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه است. ترکیب حملات موشکی و پهپادی، در کنار محدودیت ذخایر مهمات دفاعی، توانسته است استمرار حضور نیروهای آمریکایی در یک پایگاه مهم پشتیبانی را با چالش مواجه کند. با این حال، بخشی از جابه جایی نیروها پیش از آغاز حملات و در چارچوب طرح پیشگیرانه پنتاگون انجام شده بود؛ بنابراین نمی توان تمام عقب نشینی را صرفاً نتیجه حملات ایران دانست.

از منظر راهبردی، اهمیت این گزارش فراتر از خسارات یک پایگاه است؛ زیرا آسیب پذیری مواضع ثابت آمریکا، فشار بر ظرفیت پدافندی و ضرورت پراکنده سازی نیروها را برجسته می کند. انتشار این تصاویر در کنار گزارش های اخیر درباره خسارات تجهیزات آمریکایی می تواند روایت رسمی واشنگتن از میزان موفقیت دفاعی و هزینه های جنگ را با پرسش های تازه ای مواجه کرده و فشار برای بررسی عملکرد فرماندهان و آمادگی پایگاه های منطقه ای را افزایش دهد.

طی هفته های اخیر، انتشار گزارش ها پیرامون خسارات وارد شده به پایگاه های منطقه ای آمریکا افزایش پیدا کرده است که عمدتاً از جانب رسانه های حزب دموکرات هستند. خسارات وارد شده در حالی افشا می شوند که جریان مزبور سعی می کند به بهانه جنگ ایران و اثرات سوء آن مانند افزایش قیمت انرژی و غیره جمهوری خواهان را شکست دهد.

در یک سناریوی بدبینانه تر، می توان افشاگری های اخیر را ناظر بر تلاش دستگاه امنیتی و نظامی ایالات متحده برای القای ضرورت جبران خسارات وارده، استفاده از روش های نامتعارف برای شکست ایران مثل استفاده از سلاح تاکتیکی اتمی و موارد این چنینی دانست.

واکنش‌ها و فضا سازی رسانه‌های معاند و ضد انقلاب

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ فضا سازی گسترده پیرامون سالگرد هفت اکتبر با معرفی ج.ا.ا به عنوان حامی، مسلح کننده و عامل پشت پرده حماس و قرار دادن آن در کانون روایت های مربوط به آن وقایع
- ❖ پاسداشت یاد کشته شدگان هفتم اکتبر و بازنمایی این واقعه به عنوان نماد جنایت و تروریسم علیه اسرائیل و ابراز تسلیت و همدردی با اسرائیل
- ❖ القای همدردی و همبستگی ایرانیان با جامعه اسرائیل و طرح ادعای وجود پیوند تاریخی میان ایرانیان و یهودیان با ارجاع مکرر به کوروش در سالگرد هفت اکتبر
- ❖ بازنمایی هفت اکتبر به عنوان نقطه آغاز تضعیف ج.ا.ا و گروه های مقاومت در منطقه در سه سال گذشته و انگاره سازی
- ❖ از نتیجه معکوس هفت اکتبر برای جبهه مقاومت و ج.ا.ا
- ❖ مرور و بازخوانی ترور ترور فرماندهان و مقامات سیاسی و نظامی حماس، حزب الله و ج.ا.ا در سه سال گذشته و ارائه آن به عنوان روندی از حذف تدریجی شبکه منطقه ای ج.ا.ا پس از وقایع هفت اکتبر
- ❖ ترویج تصویر «ایران آزاد» به عنوان دوست و شریک اسرائیل و ارائه همگرایی تهران پس از ج.ا.ا و تل آویو به عنوان بخشی از نظم مطلوب آینده منطقه
- ❖ مقایسه سازی وقایع هفت اکتبر برای صهیونیست ها با آشوب های ۱۸ و ۱۹ دی برای القای وجود «درد مشترک»، «جنایت مشترک» و «دشمن مشترک» میان ایرانیان و اسرائیلی ها
- ❖ تداوم موج سواری رسانه ای پیرامون اعدام ها با نشر و باز نشر اخبار صدور، تأیید، اجرا و یا قرارگیری متهمان در معرض حکم اعدام و تکرار ادعاها مبنی بر اخذ اعترافات اجباری، شکنجه، فقدان دادرسی عادلانه و غیره
- ❖ تقلیل صدور حکم اعدام علیه هادی عباسیان ذیل «اعدام به دلیل انتشار پست های اعتراضی دی اینستاگرام»
- ❖ توهین، فحاشی و نفرت پراکنی علیه مقدسات دینی با پیوند اجرای احکام اعدام با اذان صبح و دعوت به اقدام علیه نیروهای ارزشی، مذهبی، سپاهی و غیره برای مقابله به مثل با اعدام ها همزمان با اذان صبح
- ❖ روایت سازی از فشار، سرکوب و ایجاد محدودیت برای خانواده های جانبختگان وقایع دی ماه با اشاره به مواردی چون تشدید بازداشت، احضار، پرونده سازی قضایی، تهدید، انسداد شبکه های اجتماعی و سیم کارت ها و اعمال فشار برای حذف محتوا و توقف روایتگری خانواده ها
- ❖ طرح ادعای گسترش فشار به خانواده های جانبختگان وقایع دی ماه از فضای عمومی به حریم

خصوصی خانواده‌ها با بازرسی منازل، ضبط یادگارهای جانباختگان

❖ ادراک سازی از روند ۹ ماهه فشارهای اقتصادی، معیشتی، درمانی و روانی بر خانواده‌های جانباختگان و مجروحان وقایع دی ماه

❖ اعتبارزدایی از ادعای کمک ۲۰۰ میلیون دلاری ج.ا.ا به حزب الله با برجسته سازی همزمان آن با مشکلات اقتصادی در داخل مانند گرانی، کاهش قدرت خرید، ناتوانی خانواده‌های ایرانی در تأمین نیازهای اولیه، مشکلات یارانه، کالابرگ و ترک تحصیل در داخل کشور

❖ تصویرسازی از ادعای کمک ۲۰۰ میلیون دلاری ج.ا.ا به حزب الله به عنوان نمونه‌ای از اولویت حمایت مالی از نیروهای محور مقاومت بر مسائل اقتصادی و معیشتی مردم ایران

رصد و تحلیل

فضاسازی گسترده کاربران ضدانقلاب در سالگرد هفت اکتبر؛ ابراز همدردی با صهیونیست‌ها، القای همگرایی هویتی جامعه ایران و اسرائیل، مقایسه سازی وقایع هفت اکتبر با آشوب‌های دی ماه و معرفی ج.ا.ا به عنوان پشتیبان حمله حماس

مرور تایم لاین جریان ضدانقلاب و معاند در فضای مجازی (به ویژه کاربران سلطنت طلب و حامی رژیم صهیونیستی) و همچنین گزارشات منتشر شده در سایت‌ها و شبکه‌های معاند حاکی از فضاسازی گسترده این جریان به مناسبت سالگرد هفتم اکتبر و عملیات طوفان الاقصی توسط حماس در اراضی اشغالی است.

در این میان رضا پهلوی، در سالگرد آن وقایع با صدور پیامی با ابراز همدردی با صهیونیست‌ها و خانواده‌های کشته شدگان آن، به دنبال ایجاد پیوندی میان مردم ایران و یهودیان بود. فرزند شاه مخلوع ایران، ج.ا.ا را حامی و تأمین کننده سلاح برای حماس معرفی کرد و مدعی شد در فردای براندازی ج.ا.ا کسانی که در واقعه هفتم اکتبر دست داشتند، پاسخگو خواهد کرد و تصویری از «صلح و ثبات دو ملت با سقوط ج.ا.ا» ارائه داد.

برایند مطالب و محتواهای کاربران و صفحات ضدانقلاب پیرامون سالگرد آن وقایع، روایت سازی از مظلومیت و همدردی با اسرائیل، معرفی ج.ا.ا به عنوان عامل یا پشتیبان اصلی حمله، تبلیغ همگرایی سیاسی و هویتی میان ایران و اسرائیل، مقایسه سازی هفتم اکتبر با آشوب‌های دی ماه سال گذشته در ایران، انگاره سازی از تضعیف جبهه مقاومت و بازنمایی سقوط ج.ا.ا به عنوان نتیجه مطلوب تحولات منطقه‌ای است. همچنین تولید محتوا به زبان لاتین و انگلیسی و برجسته سازی هشتگ‌هایی چون «#هفتم_اکتبر»، «#October7th»، «#ایران_اسرائیل» و غیره در دستور کار کاربران معاند بوده است. حساب توئیتری وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در ایکس (اسرائیل به فارسی) از محتواهای تولیدی مخالفان ج.ا.ا تشکر و آن‌ها را صدای واقعی

مردم ایران خواند.

در مجموع اهم محورهای رسانه‌ای و عملیات روانی صفحات و کاربران ضدانقلاب پیرامون سالگرد ۷ اکتبر به صورت زیر است:

۱. پاسداشت یاد کشته شدگان هفتم اکتبر و بازنمایی این واقعه به عنوان نماد جنایت و تروریسم علیه اسرائیل و ابراز تسلیت و همدردی با اسرائیل

۲. القای همدردی و همبستگی ایرانیان با جامعه اسرائیل و طرح ادعای وجود پیوند تاریخی میان ایرانیان و یهودیان با ارجاع مکرر به کوروش

۳. معرفی ج.ا.ا. به عنوان حامی، مسلح کننده و عامل پشت پرده حماس و قرار دادن آن در کانون روایت های مربوط به حمله هفت اکتبر

۴. بازنمایی هفت اکتبر به عنوان نقطه آغاز تضعیف ج.ا.ا. و گروه های مقاومت در منطقه در سه سال گذشته و انگاره سازی از نتیجه معکوس هفت اکتبر برای جبهه مقاومت و ج.ا.ا.

۵. مرور و بازخوانی ترور ترور فرماندهان و مقامات سیاسی و نظامی حماس، حزب الله و ج.ا.ا. در سه سال گذشته و ارائه آن به عنوان روندی از حذف تدریجی شبکه منطقه ای ج.ا.ا. پس از وقایع هفت اکتبر

۶. ترویج تصویر «ایران آزاد» به عنوان دوست و شریک اسرائیل و ارائه همگرایی تهران پس از ج.ا.ا. و تل آویو به عنوان بخشی از نظم مطلوب آینده منطقه

۷. انتشار خرده روایت ها درباره کشته شدگان، گروگان ها و خانواده های آن ها برای افزایش بار عاطفی محتواهای سالگرد آن وقایع

۸. برجسته سازی تجمع ها و مراسم همبستگی ایرانیان خارج از کشور با اسرائیل، به عنوان نشانه ای از حمایت اجتماعی از اسرائیل توسط ایرانیان

۹. باز نشر روایت های جزئی از چگونگی حمله، شمار کشته ها و گروگان ها، حمله به جشنواره نوا و کشتار مناطق مسکونی برای تثبیت تصویر خشونت بار از حماس

۱۰. مقایسه سازی وقایع هفت اکتبر برای صهیونیست ها با آشوب های ۱۸ و ۱۹ دی برای القای وجود «درد مشترک»، «جنایت مشترک» و «دشمن مشترک» میان ایرانیان و اسرائیلی ها

تداوم موج سواری رسانه ای جریان ضدانقلاب پیرامون اعدام ها؛ از تقلیل مسئله اعدام به انتشار ویدئوهای اعتراضی در اینستاگرام تا توهین علیه مقدسات با پیوند اعدام ها با اذان صبح

مسئله اعدام متهمان آشوب های دی ماه همچنان یکی از نقاط کانونی جریان ضدانقلاب در فضای مجازی، شبکه ها و کانال های خبری است. این موج سواری رسانه ای اغلب با نشر و باز نشر اخبار و ادعاها درباره صدور، تأیید، اجرا و یا قرارگیری متهمان در معرض حکم اعدام صورت می گیرد و در

حاشیه آن ادعاها و اتهامات همیشگی همچون اخذ اعترافات اجباری، شکنجه، عدم دسترسی به وکیل، عدم طی شدن فرایندهای قضایی در روند دادرسی، عدم دسترسی به امکانات درمانی در زندان و غیره از سوی رسانه های جریان ضدانقلاب صورت می گیرد. با این حال در لابه لای خطوط رسانه ای و عملیات روانی ثابت این جریان در قبال اعدام ها، سوبیه های خاص و منحصر به فردی از فضا سازی های رسانه ای نیز قابل مشاهده است.

تقلیل صدور حکم اعدام به انتشار ویدئوی اعتراضی در اینستاگرامی

در یکی دوروز گذشته رسانه های [به اصطلاح] حقوق بشری ضدانقلاب مدعی شدند که حکم اعدام هادی عباسیان، از متهمان وقایع دی ماه در شیروان صادر شده است. همزمان با انتشار این خبر، ویدئویی از اظهارات هادی عباسیان در میانه های آشوب های دی ماه در تایم لاین و کانال های ضدانقلاب باز نشر و ویرال شده که او نسبت به وضعیت کشور می گوید: «من اعتراض دارم، از حرفم هم کوتاه نمی آیم. ولی اگر مشکلی برای من پیش آمد، در جریان باشید.» رسانه های ضدانقلاب در بازتاب و بازنمایی این موضوع، صدور حکم اعدام برای هادی عباسیان را انتشار ویدئوهای اعتراضی در اینستاگرام در وقایع دی ماه معرفی کردند تا بدین صورت عناوین اتهامی علیه او را به موضوعات سطح پایین تقلیل دهند.

توهین علیه مقدسات دینی با پیوند اعدام ها با اذان صبح

این خط رسانه ای اغلب در شبکه های اجتماعی و توسط کاربران فیک و ناشناس ضدانقلاب که ضدیت مشخصی با دین و مذهب دارند، صورت می گیرد. در این زمینه این طیف از کاربران با پیوند اجرای احکام اعدام با اذان صبح، اقدام به توهین و فحاشی و نفرت پراکنی علیه مقدسات دینی کرده و دیگر کاربران به اقدام علیه نیروهای ارزشی، مذهبی، سپاهی برای مقابله به مثل با اعدام ها همزمان با اذان صبح دعوت می کنند.

تداوم روایت سازی از فشار، سرکوب و ایجاد محدودیت برای خانواده های جانبازان

وقایع دی ماه توسط ایران اینترنشنال

در راستای موج سواری پیرامون وضعیت خانواده های جانبازان و وقایع دی ماه، شبکه معاند ایران اینترنشنال طی روزهای اخیر در چند گزارش اختصاصی و جداگانه به این موضوع پرداخته است. این در حالی است که توئیت مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران با ادعای گسترش دامنه پیامدهای مجازات اعدام به خانواده های آن ها در رسانه های ضدانقلاب باز نشر پیدا کرده است. مجموعه گزارش ها و روایت سازی های ایران اینترنشنال نشان از تمرکز همزمان بر روایت سازی از برخوردهای ادعایی روزهای اخیر و بازخوانی مجموعه ادعاها پیرامون فشارهای امنیتی، قضایی، اقتصادی و روانی ادعایی طی حدود ۹ ماه گذشته در قبال خانواده های جانبازان دارد.

۱. تشدید روایت بازداشت، احضار و پرونده سازی برای مهار فعالیت خانواده ها

ایران اینترنت نشنال بخش مهمی از روایت خود را بر ادعای انتقال فشار به خانواده های کشته شدگان از تماس و تذکر به احضار، بازداشت و تشکیل پرونده قضایی متمرکز کرده است. این شبکه از بازداشت دست کم سه عضو خانواده ها طی دوروز، احضارهای مکرر، تشکیل پرونده با عناوینی مانند «بلاگری سیاسی» و صدور حکم حبس به عنوان مصادیق تشدید برخورد ها یاد کرده است.

۲. اعمال محدودیت بر فعالیت مجازی و جلوگیری از رسانه ای شدن روایت خانواده ها

محور پرتکرار دیگر ایران اینترنت نشنال تکرار ادعای تلاش نهادهای امنیتی برای محدود سازی حضور خانواده ها در شبکه های اجتماعی در هفته های اخیر است. مسدود سازی صفحات اینستاگرام و سیم کارت، حذف مطالب، در اختیار گرفتن حساب کاربری، تهدید نسبت به انتشار عکس و ویدئو و مطالبه عدم گفت وگو با رسانه ها، در این چارچوب به عنوان سازوکاری برای کاهش بازتاب رسانه ای فعالیت خانواده ها بازنمایی شده است.

۳. طرح ادعای ورود فشارها به حریم خصوصی و ضبط یادگارهای جانبختگان

این شبکه مدعی شده طی دو هفته اخیر منازل دست کم پنج خانواده مورد بازرسی قرار گرفته و بخشی از وسایل شخصی به جامانده از جانبختگان از جمله لباس، ساعت، دفتر خاطرات، کتاب و عروسک ضبط شده است. ایران اینترنت نشنال این ادعا را به عنوان مرحله ای تازه از فشار روانی و تلاش برای محدود کردن پاسداشت جانبختگان از سوی خانواده آن ها صورت بندی کرده است.

۴. بازخوانی روند ۹ ماهه ادعای محدود سازی در قبال مراسم، مزار و اشکال سوگواری

در کنار تحولات اخیر ایران اینترنت نشنال با مرور وقایع ماه های گذشته، مجموعه ای از محدودیت های ادعایی درباره مراسم خاکسپاری، چهلم، یادبود و زادروز جانبختگان را بازخوانی کرده است. تخریب سنگ مزار، اخذ تعهد برای برگزار نکردن مراسم، مخالفت با درج واژه «جاوید نام» و احضار خانواده ها در پی برخی مراسم های یادبود، در این گزارش ها به عنوان اجزای یک روند ۹ ماهه محدود سازی خانواده ها برای برگزاری مراسم بازنمایی شده است.

۵. طرح موضوع فشارهای اقتصادی و معیشتی بر خانواده ها از زمان وقوع حوادث دی ماه

بخش دیگری از گزارش های ایران اینترنت نشنال به مرور ادعاهای مطرح شده درباره فشار اقتصادی بر خانواده های جانبختگان طی ماه های پس از وقایع دی ماه اختصاص دارد. مطالبه مبالغ سنگین برای تحویل برخی پیکرها، هزینه های خاکسپاری، از دست رفتن نان آور خانواده، مسدود یا مصادره کردن اموال، بیکاری برخی اعضا و قطع برخی حمایت های معیشتی، در قالب پیامدهای اقتصادی ۹ ماه گذشته بازخوانی شده اند.

۶. تعمیم روایت فشار به مجروحان بالقای تبعات درمانی آن وقایع برای آنها

ایران اینترنت‌نشال همچنین در مرور پیامدهای وقایع دی ماه بر خانواده جانباختگان در ماه‌های گذشته، وضعیت برخی مجروحان را وارد روایت کرده و مدعی شده نگرانی از شناسایی یا بازداشت، شماری از آنان را از مراجعه به مراکز درمانی بازداشته است. در این چارچوب، طولانی شدن دوره درمان، تشدید جراحات، ناتوانی در اشتغال و افزایش هزینه دارو، درمان و پروتز به عنوان ادامه پیامدهای وقایع دی ماه در حوزه درمان بازنمایی شده است.

۷. القای استمرار فشار روانی بر خانواده‌ها طی ۹ ماه گذشته

در لایه روانی نیز گزارش‌های این شبکه، ترکیبی از ادعاهای جدید و موارد پیشین را کنار یکدیگر قرار داده است؛ از تهدید خانواده‌ها و هشدار درباره فعالیت دیگر فرزندان آن‌ها گرفته تا طرد اجتماعی، اضطراب، مصرف داروهای اعصاب و محدود شدن امکان سوگواری. برآیند این روایت‌سازی القای استمرار فشار از زمان وقایع دی ماه تا مقطع کنونی است.

برجسته‌سازی همزمان ادعای کمک ۲۰۰ میلیون دلاری ج.ا.ا به حزب الله لبنان با مشکلات و بحران‌های اقتصادی و معیشتی در داخل کشور توسط کاربران و صفحات معاند

در پی انتشار گزارش رویترز مبنی بر ادعای کمک ۲۰۰ میلیون دلاری ج.ا.ا به حزب الله لبنان برای رسیدگی به وضعیت به خانواده‌های لبنانی آواره شده در جنگ با اسرائیل، موجی از هجمه علیه ج.ا.ا با برجسته‌سازی وضعیت اقتصادی و معیشتی در داخل کشور، کاهش درآمدهای ارزی با اجرای عملیات طرد اقتصادی آمریکا و غیره توسط کاربران و صفحات معاند و ضدانقلاب شکل گرفته است.

در این رابطه کاربران و صفحات معاند با تمرکز بر رقم ادعایی ۲۰۰ میلیون دلار، آن را در برابر مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم ایران قرار داده و مدعی شدند ج.ا.ا در حالی برای خانواده‌های لبنانی کمک مالی اختصاص می‌دهد که مردم ایران با گرانی، کاهش قدرت خرید و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه مواجه هستند. برخی محتواها نیز ادعای پرداخت ۳ هزار دلار به هریک از ۵۰ هزار خانواده لبنانی را برجسته کرده و این رقم را با ناتوانی برخی خانواده‌های ایرانی در تأمین گوشت، دارو و هزینه‌های تحصیل مقایسه کردند.

علاوه بر آن کاربران معاند با اشاره به موضوعاتی مانند یارانه، کالا برگ، خسارت حوادث، فقر و ترک تحصیل، تلاش کردند کمک ادعایی ایران به حزب الله را نشانه بی توجهی ج.ا.ا به مسائل داخلی معرفی کنند. در برخی مطالب نیز این ادعا به حمایت مالی ج.ا.ا از نیروهای نیابتی و تداوم سیاست‌های منطقه‌ای آن تعمیم داده شد.

بررسی و ارزیابی روندهای اقتصادی و معیشتی

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ برجسته سازی گزارش نیوزنیشن درباره ورود ۱۶ شرکت حمل و نقل به فرایند ورشکستگی در بستر افزایش فشار هزینه های سوخت
- ❖ بازنمایی فشار معیشتی گرانی دیزل در نیویورک تایمز و وال استریت ژورنال با روایت دوری طولانی رانندگان از خانواده و کاهش مخارج
- ❖ برجسته سازی هشدار سی ان ان درباره انتقال گرانی دیزل به فروشگاه های مواد غذایی طی ۳۰ تا ۴۵ روز و فشار بر خانوارها
- ❖ بازتاب گزارش لس آنجلس تایمز درباره هم زمانی گرانی سوخت و محدودیت گواهی نامه رانندگان خارجی در تشدید فشار بر صنعت حمل و نقل
- ❖ تشکیک در کفایت تسهیلات مالیاتی دیزل در گزارش سی ان ان با تأکید بر پابرجا ماندن محدودیت های عرضه و پالایش
- ❖ بازنمایی انتخاباتی شدن بحران سوخت در رسانه های محلی جورجیا با پوشش تجمع رانندگان، مطالبه پایان جنگ ایران و تقابل حزبی
- ❖ برجسته سازی گزارش سی ان بی سی درباره اجاره ۷۶ میلیون دلاری ابرنفتکش «الکساندروس» به عنوان مصداق جهش هزینه حمل نفت پس از جنگ
- ❖ بازنمایی انتقال کشتی به کشتی نفت در گزارش سی ان بی سی به عنوان سازوکار کاهش مواجهه با خطر حمله ایران و افزایش نیاز به شناور
- ❖ تأکید بر سرایت پیامدهای اختلال هرمز به مسیر آمریکا - چین در گزارش سی ان بی سی با کاهش دسترسی به ظرفیت نفتکش ها
- ❖ برجسته سازی گزارش لوید زلیست درباره رکورد شکنی کرایه کشتی های حمل گاز مایع و افزایش سهم خلیج مکزیک در بارگیری جهانی
- ❖ بازنمایی توزیع نامتقارن پیامدهای بحران هرمز در لوید زلیست با برجسته سازی رشد سهام مالکان ناوگان هم زمان با افزایش هزینه حمل
- ❖ برجسته سازی گزارش رویترز درباره افزایش خروج محموله های گاز از هرمز همراه با مشروط بودن تداوم بهبود عبورها به وضعیت امنیتی
- ❖ بازنمایی فاصله آمادگی صادرات با تضمین تحویل در گزارش بلومبرگ با اشاره به حضور کشتی های خالی قطرانرزی نزدیک قطر
- ❖ برجسته سازی گزارش انرژی اینتلیجنس درباره خروج ۱۷ درصد ظرفیت تولید رأس لفان برای دست کم سه سال و تأخیر توسعه میدان شمالی

- ❖ تأکید بر دشواری انتقال کشتی به کشتی گاز فوق سرد در گزارش بلومبرگ به عنوان محدودیت تکرار سازوکار احیای صادرات نفت
- ❖ بازتاب تداوم اختلال قراردادهای گاز قطر با تمدید فورس مازور برخی مشتریان آسیایی تا نوامبر و اروپایی تا دسامبر
- ❖ برجسته سازی گزارش اوایل پرایس درباره پایین بودن ذخایر گاز اروپا نسبت به متوسط پنج ساله در آستانه افزایش تقاضای گرمایشی زمستان
- ❖ بازتاب اظهارات مدیرعامل انجمن تالاسمی در روزنامه شرق درباره هزینه ماهانه بیش از ۱۰۰ میلیون تومانی دارو و درمان بیماران
- ❖ برجسته سازی ادعای مدیرعامل انجمن تالاسمی درباره احتمال افزایش بیش از ۶۰۰ برابری پرداخت بیمار در برخی اقلام فاقد ارزش ترجیحی
- ❖ مقایسه سهم بیش از ۵۰ درصدی پرداخت از جیب بیماران با سقف ۲۵ درصدی برنامه هفتم در اظهارات سخنگوی انجمن داروسازان
- ❖ برجسته سازی گزارش پیوست از هشدار دیوان محاسبات درباره تمرکز بیش از ۸۰ درصد زیرساخت بانکداری متمرکز و سوئیچ پرداخت
- ❖ بازنمایی وابستگی زیرساخت بانکی به شرکت های محدود به عنوان عامل تهدید استمرار خدمت رسانی هنگام اختلال فنی در ارزیابی دیوان محاسبات
- ❖ بازتاب مطالبه دیوان محاسبات از بانک مرکزی برای تنوع بخشی به ارائه دهندگان، توسعه زیرساخت های توزیع پذیر و پیش بینی سازوکارهای پشتیبان
- ❖ بازتاب اظهارات رئیس اتاق اصناف کشاورزی درباره چهار برابر شدن قیمت نهاده های تولید گوشت و مرغ در پی حذف ارزش ترجیحی
- ❖ برجسته سازی انتقاد رئیس اتاق اصناف کشاورزی از همکاری نکردن بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه در تأمین نقدینگی لازم برای استمرار تولید
- ❖ بازتاب اعلام انجمن واردکنندگان برنج در ایسنا درباره انتظار حدود ۱۳۰ هزار تن برنج وارداتی برای دریافت مجوز خروج
- ❖ برجسته سازی کاهش واردات شش ماهه برنج سفید به ۶۰۰ هزار تن نسبت به دوره مشابه سال گذشته در اظهارات انجمن واردکنندگان
- ❖ بازتاب اظهارات عارف درباره کمبود ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز و انتساب خروج بخشی از گاز عسویه به اقدامات دشمن
- ❖ برجسته سازی پیشنهاد مشروط پزشکيان برای تعطیلی موقت ساختمان های بلااستفاده و مجموعه های فرهنگی و ورزشی با هدف استمرار فعالیت تولیدی

- ❖ طرح مطالبه کارشناسان برای شفافیت در انتخاب مجموعه‌های مشمول محدودیت و مدت اجرا با توجه به پیامدهای خدماتی و اشتغال
- ❖ طرح ادعای ایران اینترنت‌نشال درباره استفاده بانک پارسیان از صرافی خود برای انتقال میلیون‌ها دلار به خارج با وجود تحریم‌های آمریکا
- ❖ بازنمایی صرافی پارسیان در گزارش ایران اینترنت‌نشال به عنوان حلقه اتصال بانک مرکزی و مؤسسات مالی به واسطه‌های پرداخت خارجی
- ❖ بازتاب ادعای میعادملکی، مقام پیشین خزانه داری آمریکا، درباره گم شدن رد منشأ پول در ساختار تراستی‌ها و شرکت‌های پوششی
- ❖ برجسته‌سازی مطالبه مقام پیشین خزانه داری آمریکا برای شناسایی و مسدود کردن دارایی واسطه‌ها در امتداد گزارش اسناد ادعایی بانک پارسیان
- ❖ بازتاب گزارش تسنیم درباره افزایش اعتبار کالا برگ حدود ۱۱ میلیون مددجوی کمیته امداد و بهزیستی به ۱،۵ میلیون تومان
- ❖ برجسته‌سازی تفاوت اظهارات مسئولان درباره افزایش ۵۰ درصدی اعتبار برای حدود ۴۲ میلیون نفر و کف افزایش ۳۰۰ هزار تومانی
- ❖ بازنمایی فاصله وعده افزایش اعتبار با شارژ یک میلیون تومانی کالا برگ سرپرستان خانوار دارای ارقام پایانی صفر تا دو
- ❖ بازتاب اعلام معاون وزیر رفاه درباره نهایی نشدن توافق تیم اقتصادی بر سر مبلغ افزایش و تعداد مشمولان و تعویق اجرا

رصد و تحلیل

سرایت بحران دیزل به حمل و نقل و معیشت شهروندان آمریکایی در آستانه انتخابات

میان دوره‌ای

رصد گزارش‌های اقتصادی، عمومی و محلی ایالات متحده نشان می‌دهد پوشش رسانه‌ای گرانی دیزل، پس از ثبت رکوردهای قیمتی به روایت پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن حرکت کرده است. این پوشش، دوروند هم‌زمان را برجسته می‌کند:

الف) تشدید شکنندگی وضعیت شرکت‌های حمل و نقل و انتقال هزینه سوخت به مصرف‌کنندگان

ب) تبدیل فشار معیشتی کامیون‌داران به موضوع منازعه انتخاباتی درباره جنگ ایران

نیوزویک و نیوزنیشن بر ورشکستگی شرکت‌ها تمرکز دارند؛ سی‌ان‌ان و لس‌آنجلس تایمز سازوکار انتقال هزینه و اختلال نیروی کار را توضیح می‌دهند؛ نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال و رسانه‌های محلی جورجیا نیز ابعاد انسانی و سیاسی بحران را برجسته می‌کنند.

مجموعه گزارش‌ها در شش چارچوب قابل خواندن است:

۱. بازنمایی شکنندگی بنگاه‌های حمل و نقل

۲. انسانی کردن روایت شوک انرژی

۳. برجسته‌سازی انتقال تدریجی گرانی

۴. پیوند بحران سوخت با محدودیت نیروی کار

۵. تشکیک در کفایت اقدامات جبرانی

۶. انتخاباتی شدن مطالبه پایان جنگ

۱. ورشکستگی به عنوان نشانه فرسایش صنعت

❖ **نیوزنیشن**، با استناد به فریت ویوز، از ورود دست کم ۱۶ شرکت حمل و نقل و تحویل کالا به فرایند ورشکستگی از اواخر اوت تا ۲۱ سپتامبر خبر می‌دهد. **نیوزویک** نیز پرونده شرکت «میدوست اکسپدایت» را در همین بستر قرار می‌دهد؛ با این حال، تصریح می‌کند اسناد قضایی علت ورشکستگی و ارتباط آن با دیزل را مشخص نکرده‌اند. هرچند برخی کارشناسان اقتصادی فشارهای اقتصادی ناشی از گرانی دیزل را علت ورشکستگی شرکت‌های حمل و نقل عنوان می‌کنند.

۲. تبدیل قیمت سوخت به روایت زندگی

❖ **نیویورک تایمز**، در گزارشی، از رانندگانی می‌گوید که برای تأمین مخارج، هفته‌ها به خانه باز نمی‌گردند. **وال استریت ژورنال** نیز آشپزی در کابین و خوابیدن در محل بارگیری برای حذف هزینه توقف را برجسته می‌کند. گزارش **ان بی سی مونتانا** درباره افزایش هزینه هفتگی سوخت یک ناوگان از ۳۰ هزار به ۶۳ هزار دلار، به این روایت معیشتی پشتوانه عددی می‌دهد.

۳. انتقال با تأخیر فشار به خانوارها

❖ **سی ان ان** بحران را از جایگاه سوخت به زنجیره مصرف پیوند می‌زند: افزایش هزینه دیزل می‌تواند طی ۳۰ تا ۴۵ روز به فروشگاه‌های مواد غذایی برسد؛ بروز کامل برخی آثار نیز ماه‌ها زمان می‌برد. تمرکز گزارش بر فاصله زمانی میان پرداخت فوری سوخت و جبران آن در کرایه‌هاست؛ فاصله‌ای که شرکت‌های کوچک توان کمتری برای تحملش دارند.

۴. هم‌افزایی سوخت گران و محدودیت رانندگان

❖ **لس آنجلس تایمز** و **سی ان ان**، محدودیت گواهینامه رانندگان خارجی و اجرای الزامات زبان انگلیسی را در کنار گرانی سوخت قرار می‌دهند. این چارچوب، فشار بر صنعت را حاصل تلاقی شوک انرژی، مقررات و رکود پیشین باربری نشان می‌دهد؛ هرچند **سی ان ان** نظر کارشناسی مخالف وجود کمبود ساختاری راننده را نیز منعکس می‌کند.

۵. تردید درباره کفایت تسکین های مقطعی

❖ **نیوزنیشن** آزادسازی ذخایر و تسهیل استفاده ای از دیزل رنگی را بازتاب می دهد، اما سی ان ان از قول فعالان صنعت، اقدام اخیر را فاقد اثر تعیین کننده بلند مدت می داند. در این روایت، تسهیلات مالیاتی جایگزین رفع محدودیت عرضه و پالایش نیست.

۶. پیوند نارضایتی صنفی با رقابت انتخاباتی

❖ **رسانه های محلی** جورجیا تجمع رانندگان همراه با حزب دموکرات و مطالبه پایان جنگ را پوشش داده اند. جمهوری خواهان نیز سیاست های اقتصادی و انرژی دموکرات ها را مقصر معرفی می کنند. بنابراین، این پوشش علاوه بر نارضایتی صنفی، نشان دهنده رقابت حزبی برای تعیین مسئول گرانی است.

جمع بندی

برآیند این روایت ها، برجسته شدن هزینه داخلی تداوم جنگ برای آمریکا است. با این حال، مشکلات پیشین صنعت و اختلالات پالایشی نیز مؤثرند. دوام فشار معیشتی و اثربخشی اقدامات جبرانی، مسیر تبدیل نارضایتی اقتصادی به هزینه سیاسی را تعیین می کند.

تاکید بر هزینه فزاینده مهار اختلال هرمز با برجسته سازی جهش کرایه حمل انرژی و سرایت

کمبود شناور به مسیرهای جهانی

اجاره یک ابرنفتکش برای انتقال نفت از آمریکا به چین با مبلغ ۷۶ میلیون دلار، محور موجی از بازتاب های رسانه ای درباره گسترش پیامدهای بحران هرمز شده است. سی ان بی سی این خبر را به نقل از یک منبع مطلع منتشر کرده و رسانه هایی مانند مارکت بریفز، یوای نیوز و توکن پست آن را باز نشر کرده اند. هم زمان، لویدزلیست از رکورد شکنی کرایه کشتی های بسیار بزرگ حمل گاز مایع خبر می دهد. وجه مشترک این گزارش ها، برجسته سازی وضعیتی است که در آن احیای جریان صادرات نفت، با افزایش هزینه و درگیر شدن ظرفیت بیشتری از ناوگان جهانی همراه شده است.

قراردادی که هزینه بحران را ملموس می کند

❖ بر اساس گزارش سی ان بی سی، شرکت بازرگانی **ترافیگورا** ابرنفتکش «الکساندروس» را برای سفر از سواحل خلیج مکزیک به چین اجاره کرده و بارگیری آن حدود ۱۹ نوامبر پیش بینی شده است. کرایه معمول این مسیر پیش از جنگ، ۷ تا ۱۰ میلیون دلار بود؛ بنابراین مبلغ اعلام شده، حدود ۷.۶ تا ۱۰.۹ برابر آن سطح است. با فرض حمل دو میلیون بشکه نفت، هزینه جابه جایی به ۳۸ دلار برای هر بشکه می رسد. اهمیت رسانه ای قرارداد از آن جهت است که هزینه انتقال یک محموله را به شاخصی ملموس برای نمایش شدت کمبود نفتکش تبدیل می کند؛ هرچند این رقم به یک سفر مشخص تعلق دارد و متوسط کرایه بازار نیست.

سازگاری با ناامنی و افزایش نیاز به شناور

❖ توضیح اصلی سی‌ان‌بی‌سی برای جهش کرایه‌ها، به سازوکار انتقال نفت از خلیج فارس بازمی‌گردد. تولیدکنندگان از الگویی استفاده می‌کنند که در آن یک نفتکش، محموله را از هرمز عبور می‌دهد و در دریای عمان به کشتی دیگری برای ادامه مسیر به آسیا منتقل می‌کند. بنا بر این گزارش، چنین ترتیبی مواجهه با خطر حمله ایران را کاهش داده و به بازیابی صادرات کمک کرده است. با این حال، حفظ جریان فروش از این مسیر، تعداد بیشتری کشتی می‌طلبد. در نتیجه، سازگاری عملیاتی با ناامنی تنگه، فشار تازه‌ای بر منابع محدود حمل و نقل وارد می‌کند و هزینه استمرار صادرات را بالا می‌برد.

مسیرهای دور از جنگ نیز تحت فشارند

❖ بازتاب قرارداد الکساندروس در مارکت بریفز، پلوانگ، یوای نیوز، توکن پست و فارکس فکتوری بر همین پیام متمرکز است: اختلال هرمز می‌تواند هزینه انتقال نفت در مسیری را افزایش دهد که اساساً از این تنگه عبور نمی‌کند. نیاز بیشتر به شناور در خاورمیانه، دسترسی سایر مسیرها به نفتکش را محدود می‌سازد و فشار را به تجارت آمریکا و آسیا انتقال می‌دهد. این بازنشرها، دامنه انتشار روایت «جهانی شدن هزینه بحران» را گسترش داده‌اند.

رکورد شکنی در بازاری فراتر از نفت خام

❖ گزارش گرگ میلر در لویڈزلیست با عنوان «فقط نفتکش‌های نفت خام نیستند، کرایه کشتی‌های بسیار بزرگ حمل گاز نیز رکورد زده است»، دامنه بحث را گسترش داده است. طبق داده‌های ارائه شده، شاخص درآمد روزانه این کشتی‌ها در مسیر آمریکا-ژاپن حدود ۲۱۶ هزار دلار، آمریکا-اروپا ۲۲۸ هزار دلار و خلیج فارس-ژاپن ۲۴۹ هزار دلار است. این رسانه همچنین سهم خلیج مکزیک از حجم جهانی بارگیری این شناورها را ۷۲ درصد اعلام می‌کند؛ در برابر ۵۳ درصد در دوره مشابه سال گذشته. چنین تصویری، هم افزایش هزینه حمل گاز مایع و هم تغییر وزن مبادی تأمین آن را برجسته می‌سازد.

برندگان تجاری در دل بحران

❖ لویڈزلیست، افزایش ارزش سهام شرکت‌های «دوریان ال پی جی» و «بی دبلیو ال پی جی» از آغاز بحران هرمز را به ترتیب ۵۷ و ۵۲ درصد گزارش می‌کند. قرار گرفتن این ارقام در کنار رکورد کرایه‌ها، توزیع نامتقارن پیامدهای بحران را نشان می‌دهد: افزایش هزینه برای خریداران خدمات حمل، با بهبود موقعیت درآمدی بخشی از مالکان ناوگان همراه است. بنابراین، رونق بازار کشتی‌داران را نمی‌توان نشانه عادی شدن تجارت انرژی دانست.

این پوشش رسانه‌ای، معیار ارزیابی وضعیت هرمرز از صرف عبور محموله به هزینه و قابلیت استمرار تحویل انرژی گسترش می‌دهد. ارزیابی صادرات می‌تواند خطر توقف عرضه راکاهش دهد، اما جذب شناورهای بیشتر و افزایش کرایه‌ها نشان می‌دهد آثار اختلال همچنان در شبکه تجارت جهانی جریان دارد. رفع محدودیت عبور، بدون تعدیل هزینه حمل و آزاد شدن ظرفیت ناوگان، به تنهایی نشانه بازگشت ثبات نیست.

برجسته‌سازی تداوم بحران جهانی گاز با بازنمایی احیای شکننده صادرات قطر و تشدید رقابت اروپا و آسیا در آستانه زمستان

رصد رسانه‌های بین‌المللی و اقتصادی نشان می‌دهد؛ افزایش عبور کشتی‌های حامل گاز از هرمرز، در پوشش رسانه‌های اقتصادی به معنای پایان بحران عرضه تفسیر نشده است. گزارش‌های رویترز و بلومبرگ، در کنار ارزیابی رسانه‌های تخصصی، بر شکافی متمرکزند که میان بازگشت تدریجی محموله‌ها و ارزیابی اطمینان خریداران شکل گرفته است. قطر برای افزایش صادرات آماده می‌شود، اما آسیب تأسیسات، ناامنی مسیر و تعلیق تعهدات تحویل همچنان پابرجاست. در این چارچوب، مسئله اصلی بازار از امکان عبور کشتی‌ها به قابلیت استمرار تأمین در فصل سرما تغییر کرده است.

این تفاوت در زاویه روایت‌ها نیز دیده می‌شود: رویترز، نشانه‌های بهبود تردد را با ملاحظات امنیتی همراه می‌کند؛ بلومبرگ ظرفیت آماده صادرات را در برابر تردید درباره خروج محموله‌ها قرار می‌دهد؛ نشنال و اوایل پرایس نیز هشدار خریداران درباره زمستان را برجسته می‌سازند. حاصل، تصویری از بازاری است که خبرهای بهبود عرضه را دریافت می‌کند، اما هنوز نمی‌تواند بر مبنای آنها برای تأمین پایدار برنامه‌ریزی کند.

بازگشت کشتی‌ها بدون بازگشت اطمینان

❖ رویترز، با استناد به اس‌اند‌پی گلوبال، خروج ۱۹ محموله گاز در سپتامبر، شامل ۱۳ محموله قطری و شش محموله اماراتی، را گزارش می‌دهد؛ کپلر این تعداد را ۲۱ محموله برآورد کرده است. این بالاترین سطح ماهانه از آغاز جنگ محسوب می‌شود، ولی برآورد رسیدن عبورها به یک چهارم سطح پیش از جنگ در اکتبر، همچنان مشروط به استمرار روند اخیر است. بلومبرگ نیز دست‌کم ۱۲ کشتی خالی متعلق یا تحت اجاره قطر انرژی را نزدیک قطر شناسایی کرده که مجموعاً ظرفیت حمل حدود ۱۰۱ میلیون تن گاز دارند. با این حال، حضور آنها نشانه آمادگی صادرات است و خروجشان پس از بارگیری تضمین نشده است. گزارش اجیپت اوایل اندگس از تحویل محموله «السد» به پایانه داهج هند، شاهد مشخص‌تری از ارزیابی عرضه ارائه می‌کند، اما یک تحویل موفق نیز استمرار جریان صادرات را اثبات نمی‌کند.

محدودیتی که باگشایش تنگه پایان نمی یابد

❖ **انرژی اینتلیجنس**، با تمرکز بر آسیب رأس لفان، نشان می دهد بحران گاز قطر صرفاً مسئله کشتیرانی نیست. طبق این گزارش، حدود ۱۷ درصد ظرفیت تولید مجموعه، معادل ۱۲.۸ میلیون تن در سال، برای دست کم سه سال از دسترس خارج شده و توسعه میدان شمالی نیز تأخیر خورده است. **بلومبرگ** در گزارشی، تفاوت دیگری را برجسته می کند: انتقال کشتی به کشتی گاز فوق سرد از نفت خام دشوارتر است؛ بنابراین، سازوکاری که به احیای صادرات نفت کمک کرده، برای گاز به همان سادگی قابل تکرار نیست. **تمدید فورس مازور برای برخی مشتریان آسیایی** **تانو امبر واروپایی تاد سامبر** نیز بیانگر تداوم اختلال در اجرای قراردادهاست. این مجموعه داده ها، روایت بازگشت سریع قطر به نقش تأمین کننده قابل اتکا را محدود می کند، حتی اگر عبورهای بیشتری ثبت شود.

زمستان و بازتوزیع فشار میان خریداران

❖ **اوایل پرایس**، در بازتاب اظهارات یوکیوکانی، مدیرعامل شرکت ژاپنی جرا، سطح ذخایر اتحادیه اروپا در اول اکتبر را ۷۱ درصد، در برابر متوسط پنج ساله ۸۶ درصد، اعلام می کند؛ ذخایر آلمان نیز حدود ۵۸ درصد است. **نشال** هشدار همین مدیر درباره بازنگشتن سریع عرضه قطر را به رقابت اروپا و آسیا برای محموله های جایگزین پیوند می زند. در زمستان سرد، تقاضای گرمایشی اروپا می تواند فشار خرید و قیمت را افزایش دهد. هم زمان، **بلومبرگ** از کاهش بعضی خریدهای نقدی هند برای پذیرش محموله های بازگشته قطر خبر می دهد؛ وضعیتی که دشواری تنظیم خرید در بازار نامطمئن را نشان می دهد. **بیزنس تودی** نیز گزارش می کند ادیسون ایتالیا از ۳۵ محموله قطری از دست رفته، ۲۳ محموله را عمدتاً با گاز آمریکا جایگزین کرده است. بدین ترتیب، بحران علاوه بر تشدید رقابت، وزن تأمین کنندگان جایگزین را افزایش می دهد.

جمع بندی و تحلیل

برآیند این پوشش رسانه ای، تفکیک بهبود رفت و آمد کشتی ها از احیای امنیت عرضه است. برای سنجش روند، تحویل مستمر محموله، ظرفیت عملیاتی تأسیسات و ذخایر مصرف کنندگان تعیین کننده اند. استمرار ناامنی یا زمستان سرد می تواند بهبود محدود کنونی را تضعیف کند و رقابت بر سر عرضه جایگزین را شدت بخشد. افزایش صادرات آمریکا کمبود را تا حدی جبران می کند، اما الزاماً هزینه و عدم اطمینان بازار را در کوتاه مدت برطرف نمی سازد.

بازتاب افزایش هزینه داروی بیماران خاص و نگرانی از تضعیف حمایت درمانی در پی تغییر سیاست ارزی

اظهارات مسئولان صنفی دارو، افزایش پرداخت بیماران را به مسئله ای فراتر از گرانی دارو تبدیل کرده و به موضوع توان خانواده ها برای ادامه درمان تسری داده است. روزنامه شرق به نقل از

یونس عرب، مدیرعامل انجمن تالاسمی، هزینه ماهانه دارو و درمان بیمار تالاسمی را بیش از ۱۰۰ میلیون تومان اعلام کرده و از فشار تأمین این مبلغ بر بیمار و خانواده اش خبر داده است.

فاصله میان افزایش قیمت و سهم پرداخت بیمار

عرب می گوید تغییر نرخ ارز، قیمت هر قلم دارو را بین ۱۰ تا ۱۲ درصد افزایش داده، اما در برخی اقلامی که ارز ترجیحی آن ها به تازگی حذف شده، پرداخت از جیب بیمار ممکن است بیش از ۶۰۰ برابر شود. هادی احمدی، سخنگوی انجمن داروسازان نیز، سهم پرداخت از جیب بیمار را بیش از ۵۰ درصد دانسته و آن را با سقف ۲۵ درصدی مقرر در برنامه هفتم مقایسه کرده است.

برآیند معیشتی و اجتماعی

کنار هم قرار گرفتن این اظهارات، فاصله میان تعهد حمایت درمانی و هزینه تحمیل شده به خانوار را برجسته می کند. برای بیماران نیازمند درمان مستمر، ناتوانی در تأمین دارو می تواند به تأخیر درمان، بدهکاری یا کاهش سایر مخارج ضروری منجر شود. محور اصلی، میزان پوشش بیمه و تأمین به موقع حمایت مالی است؛ زیرا افزایش قیمت بدون جبران مؤثر، خطر اختلال در استمرار درمان را بالا می برد.

هشدار مهم دیوان محاسبات به بانک مرکزی درباره تمرکز زیرساخت بانکی در چند شرکت محدود

هشدار دیوان محاسبات به بانک مرکزی، مسئله استمرار خدمات بانکی را به تمرکز زیرساخت های فناوری پیوند زده است. مجله پیوست گزارش داده است، بیش از ۸۰ درصد زیرساخت سامانه بانکداری متمرکز و سوئیچ پرداخت کشور در تعداد محدودی شرکت متمرکز است؛ وضعیتی که به ارزیابی این نهاد، هنگام بروز اختلال فنی می تواند خدمت رسانی را به مخاطره بیندازد.

سه مطالبه برای کاهش آسیب پذیری

دیوان محاسبات خواستار تدوین فوری برنامه ای شامل تنوع بخشی به ارائه دهندگان خدمات، استفاده از زیرساخت های توزیع پذیر و پیش بینی سازوکارهای پشتیبان شده است. جهت مشترک این مطالبات، کاهش وابستگی بانک ها به مجموعه محدودی از تأمین کنندگان و حفظ امکان ادامه فعالیت در شرایط اختلال است.

اهمیت اقتصادی هشدار

وابستگی زیرساختی می تواند دامنه یک مشکل فنی را از یک ارائه دهنده خدمت فراتر برد و بر خرید روزانه، تسویه معاملات و گردش نقدینگی بنگاه ها اثر بگذارد. از این رو، موضوع به فناوری محدود نمی شود؛ قابلیت اتکای مردم و کسب و کارها به شبکه پرداخت نیز مطرح است.

بازتاب فشار بر تأمین مواد غذایی با تضعیف نقدینگی تولیدکنندگان و توقف برنج وارداتی در انتظار مجوز

دو خبر درباره تولید و واردات مواد غذایی، آسیب پذیری تأمین کالاهای اساسی را از دو مسیر برجسته کرده است:

الف) افزایش نیاز تولیدکنندگان به سرمایه در گردش

ب) تأخیر در خروج کالای وارد شده

تولید زیر فشار هزینه نهاده

❖ پیمان عالمی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی، در اقتصاد ۱۲۰، حذف ارز ترجیحی را عامل چهار برابر شدن قیمت نهاده های تولید گوشت و مرغ معرفی کرده است. او با انتقاد از همکاری نکردن بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه، می گوید تولیدکنندگان نقدینگی لازم برای ادامه تولید را ندارند. در این روایت، مسئله اصلی فقط افزایش قیمت نهاده نیست؛ توان خرید همان میزان نهاده با منابع مالی قبلی نیز کاهش یافته است.

کالای وارد شده در انتظار خروج

❖ همچنین، دبیر انجمن واردکنندگان برنج در گفت و گو با ایسنا اعلام کرده حدود ۱۳ هزار تن برنج وارداتی منتظر دریافت مجوزهای لازم برای خروج است. او واردات برنج سفید در شش ماهه نخست سال را ۶۰۰ هزار تن و کمتر از مدت مشابه سال گذشته دانسته است.

پیوند دو خبر در سفره خانوار

این گزارش ها نشان می دهند تأمین غذا هم به نقدینگی تولیدکننده و هم به امکان عرضه کالای موجود وابسته است. تداوم این موانع می تواند هزینه تأمین و احتمال وقفه در عرضه را افزایش دهد. این در حالی است که در شرایط ویژه کشور مسئولیت دستگاه های اقتصادی جلوگیری از انتقال اختلال تأمین به مصرف کننده است؛ به ویژه خانوارهایی که امکان جایگزینی اقلام غذایی یا تحمل افزایش هزینه را ندارند.

بازتاب اظهارات مسئولان کشور درباره کمبود گاز و طرح تعطیلی برخی مجموعه ها برای حفظ تولید در آستانه افزایش مصرف

اظهارات محمد رضا عارف درباره کمبود ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز، همراه پیشنهاد تعطیلی احتمالی برخی مجموعه ها، مسئله انرژی را به بحث اولویت بندی مصرف کنندگان کشانده است. معاون اول رئیس جمهور خروج بخشی از گاز عسلویه از مدار را پیامد برخی اقدامات دشمن در جریان جنگ عنوان کرده است. از سوی دیگر پزشکيان نیز گفته چنانچه نیاز باشد، ساختمان های بلااستفاده و مجموعه های فرهنگی و ورزشی موقتاً تعطیل می شوند تا فعالیت تولید ادامه یابد. این اظهارات، تصمیم قطعی درباره تعطیلی نیست، اما نشان می دهد حفظ تولید می تواند با

محدود کردن مصرف در برخی بخش ها دنبال شود.

اهمیت این موضع، پیوند تأمین گاز با حفظ اشتغال و جلوگیری از توقف بنگاه هاست. در مقابل برخی کارشناسان، نحوه انتخاب مجموعه های مشمول محدودیت و مدت اجرای موثر آن را در ارائه خدمات عمومی و همچنین درآمد و اشتغال برخی از این واحدها موثر می دانند و نسبت به ارائه برنامه ای مشخص و شفاف در این رابطه تاکید می کنند.

بازنمایی اسناد ادعایی بانک پارسیان به عنوان شواهد دورزدن تحریم و زمینه سازی برای فشار بر شبکه های پرداخت خارجی

ایران اینترنشنال در گزارشی با استناد به اسنادی که آن ها را حاصل هک بانک پارسیان معرفی می کند، مدعی شده این بانک با وجود تحریم های آمریکا، از صرافی خود برای انتقال میلیون ها دلار به خارج استفاده کرده است. این گزارش، اسناد آبان ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲ را مبنای روایت قرار می دهد.

از ادعای انتقال پول تا ترسیم شبکه واسطه ها

این رسانه می گوید بانک مرکزی و دیگر مؤسسات مالی از صرافی پارسیان برای تسهیل پرداخت ها استفاده کرده اند و تراکنش ها از چند لایه بانک، شرکت و اشخاص ایرانی و خارجی عبور کرده است. روایت، معرفی صرافی به عنوان حلقه اتصال واسطه هاست؛ تصویری که موضوع را از عملکرد یک بانک به سازوکار دسترسی ایران به پرداخت خارجی گسترش می دهد.

پیوند گزارش با مطالبه تشدید تحریم

در ادامه این گزارش، میعاد ملکی، رئیس پیشین دفتر هدف گذاری تحریم های خزانه داری آمریکا، مدعی شده رد منشأ پول در ساختار تراستی ها و شرکت های پوششی گم می شود. او خواستار تمرکز تحریم ها بر شناسایی و مسدود کردن دارایی واسطه ها شده است. همراهی گزارش اینترنشنال و این اظهارات ملکی، به پوشش رسانه ای جهت سیاستی می دهد: انتقال توجه از نام بانک تحریم شده به اشخاص و شرکت های تسهیل کننده پرداخت.

برآیند

اهمیت این پرونده در ظرفیت اطلاعات مالی برای شناسایی روابط واسطه ای و افزایش فشار بر طرف های خارجی است. انتشار چنین ادعاهایی می تواند احتیاط شرکای مالی را افزایش دهد یا مبنای مطالبه اقدامات محدود کننده قرار گیرد. با این حال، اصالت و تمامیت اسناد در مطالب مستقلاً تأیید نشده و داده های مورد ادعا نیز به دوره ای مشخص در گذشته مربوط اند. بنابراین، نمی توان از آن ها استمرار کنونی همان روابط یا موفقیت در مسدود سازی مسیرها را نتیجه گرفت. خط اصلی روند فعلی، تلاش برای تبدیل ادعاهای رسانه ای به اقدام رسمی علیه واسطه ها و پیامد احتمالی آن برای هزینه و استمرار پرداخت های خارجی ایران است.

بازتاب تعویق افزایش کالابرگ و ابهام در دامنه مشمولان با برجسته شدن فاصله وعده حمایتی و اعتبار قابل استفاده

انتشار خبرهای متفاوت درباره افزایش اعتبار کالابرگ، توجه را از اصل وعده حمایت به زمان اجرا، مبلغ نهایی و گروه‌های مشمول منتقل کرده است. در مطالب باز نشر شده در رسانه‌های عمومی و اقتصادی داخلی، ابتدا از افزایش اعتبار برای بخشی از مددجویان خبر داده می‌شود، سپس شارژ بدون افزایش برای گروهی از سرپرستان خانوار مطرح می‌شود و در ادامه، معاون وزیر رفاه از نهایی نشدن توافق تیم اقتصادی سخن می‌گوید.

در این رابطه تسنیم نوشته اعتبار کالابرگ حدود ۱۱ میلیون نفر از مددجویان کمیته امداد و بهزیستی به ۱،۵ میلیون تومان افزایش یافته و حساب آنان شارژ شده است. همین خبر، افزایش برای دست کم پنج دهک نخست را برنامه دولت معرفی می‌کند. همچنین به اظهارات رئیس کل بانک مرکزی درباره افزایش ۵۰ درصدی برای حدود ۴۲ میلیون نفر و اعلام وزیر اقتصاد درباره کف افزایش ۳۰۰ هزار تومانی از پانزدهم مهر اشاره دارد.

همچنین رسانه‌ها خبر داده‌اند، شارژ کالابرگ سرپرستان خانواری که رقم آخر کد ملی آن‌ها صفر، یک و دو است، بدون افزایش و با همان مبلغ یک میلیون تومان گزارش شده است. سپس معاون وزیر رفاه اعلام کرده تیم اقتصادی دولت هنوز درباره رقم افزایش و تعداد مشمولان به توافق نهایی نرسیده و افزایش اعتبار به آینده موکول شده است.

برخی انتقادهای به روند اطلاع رسانی پیرامون این موضوع این است که مسئله روشن، باقی ماندن ابهام درباره دامنه اجرای افزایش و اعلام رسمی نهایی نشدن توافق اقتصادی است. برای خانواری که بخشی از خرید خوراک خود را به اعتبار کالابرگ وابسته کرده، وعده افزایش می‌تواند مبنای تنظیم خرید و سایر مخارج قرار گیرد. فاصله میان مبلغ مورد انتظار و اعتبار قابل استفاده، در صورت اتکای خانوار به وعده، می‌تواند به تعویق خرید، کاهش اقلام یا تأمین مابه‌التفاوت از درآمد محدود منجر شود. از این منظر، زمان بندی و قطعیت اجرا بخشی از اثربخشی حمایت است.

برآیند رسانه‌ای و اجتماعی

اعلام هم‌زمان ارقام متفاوت و موکول کردن تصمیم نهایی، ناهماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی را برجسته کرده و درباره قابلیت اتکای وعده‌ها پرسش‌هایی به وجود می‌آورد. برای ارزیابی عملکرد، باید روشن شود چه گروهی افزایش را دریافت کرده، سایر مشمولان چه زمانی آن را دریافت می‌کنند و مبلغ قطعی برای هر گروه چقدر است. فرسایش اعتماد زمانی محتمل‌تر می‌شود که وعده حمایت بارها تکرار شود، اما خانوار نتواند اثر آن را در اعتبار قابل مصرف خود ببیند. مخاطره اصلی این روندهای رسانه‌ای پراکنده و غیر دقیق، فاصله میان اطلاع رسانی رسمی

و اجرای ملموس حمایت در خرید روزانه مردم است.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی «ائتلاف منطقه‌ای» برای ترمیم تصویر بازدارندگی عربستان و القای شکل‌گیری جبهه‌ای گسترده‌تر علیه انصارالله
- ❖ بزرگ‌نمایی ظرفیت دمشق برای ورود به جنگی جدید در خارج از مرزها با برجسته‌سازی احتمال اعزام گسترده نیروهای تحریرالشام به یمن
- ❖ گمانه‌زنی درباره ورود ۱۰ تا ۲۰ هزار نیروی سوری به جنگ یمن برای القای تقویت توان زمینی ائتلاف ضد انصارالله
- ❖ برجسته‌سازی مسیر بانیا س برای القای شکل‌گیری جایگزین هرمز و کاهش وابستگی صادرات نفت عراق به مسیرهای خلیج فارس
- ❖ کم‌رنگ‌سازی موانع امنیتی و اقتصادی در روایت «دورزدن هرمز» برای القای امکان کاهش تدریجی اهمیت ژئوپلیتیکی این تنگه
- ❖ برجسته‌سازی «بن بست مذاکرات» با انتقال مسئولیت شکست دیپلماسی به تهران و معرفی مطالبات هسته‌ای ایران به عنوان مانع توافق
- ❖ عادی‌نمایی وضعیت هرمز با برجسته‌سازی افزایش صادرات و کوچک‌نمایی هزینه عبور برای القای کاهش کارآمدی اهرم دریایی ایران
- ❖ القای دست برتر آمریکا با تفکیک مصنوعی افزایش صادرات از هزینه حفظ آن و بازنمایی فرسایش همزمان اهرم دریایی و دیپلماتیک تهران
- ❖ اعتباربخشی به رضا پهلوی با بازنمایی «توافق‌های کوروش» به عنوان آینده روابط تهران و تل‌آویو و الگویی برای ایران پس‌اجمهوری اسلامی
- ❖ تصویرسازی مثبت از رژیم صهیونیستی همزمان با تشویق مخالفان جمهوری اسلامی به پیشبرد پروژه تغییر نظام و عادی‌سازی مناسبات آینده با تل‌آویو
- ❖ تشکیک در روایت «دوستی با ایرانیان» با برجسته‌سازی تعارض آن با حمایت گزارش شده رژیم صهیونیستی از گروه‌های تجزیه طلب‌گرا در ایران
- ❖ برجسته‌سازی ادعای گسترش جغرافیایی جبهه فشار علیه تهران با کنارهم قرار دادن اقدامات غرب، اعراب و کشورهای آمریکای لاتین
- ❖ اعتباررسانی برای تقابل نظامی با تصویرسازی از ایران به عنوان «تهدید جهانی» و فراتر بردن منازعه تهران و تل‌آویو از چارچوب دو جانبه
- ❖ اعتباربخشی به راهبرد محاصره ایران با برجسته‌سازی ادعای دست برتر آمریکا در تنگه هرمز و بازنمایی فشار فرسایشی به عنوان راهبردی موفق

- ❖ هراس افکنی از خلأ پس از خروج آمریکا با بازنمایی عراق به عنوان پایگاه پیشرو ایران برای انتقال جنگ از هرمز به عمق منطقه
- ❖ زمینه سازی برای خلع سلاح مقاومت عراق و اعتبار بخشی به حملات احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی با امنیتی سازی روابط بغداد و تهران

رصد و تحلیل

القای بن بست مذاکرات و بی نیازی آمریکا به بازگشایی هرمز با ادعای از دست رفتن اهرم دریایی ایران

همزمان با افزایش تحرکات دیپلماتیک پیرامون جنگ ایران و آمریکا، دو خط روایی مکمل در مواضع مقامات آمریکایی ها و برخی رسانه های منطقه ای برجسته شده است:

❖ **نخست**، القای رسیدن مذاکرات تهران. واشنگتن به بن بست به دلیل خودداری ایران از پذیرش مطالبات هسته ای آمریکا

❖ **دوم**، ادعای اینکه افزایش عبور نفت از تنگه هرمز، نیاز واشنگتن به توافق فوری برای بازگشایی این آبراه را از میان برده است.

برآیند این دوروایت، تصویرسازی از تضعیف همزمان اهرم دیپلماتیک و دریایی تهران و انتقال دست برتر به واشنگتن است.

برجسته سازی «بن بست مذاکرات» با انتقال مسئولیت شکست دیپلماسی به تهران

العربیة به نقل از یک منبع ارشد مدعی شده تلاش های میانجی گرانه به «بن بست کامل» رسیده و هرمز پس از آنکه ایران کنترل آن را از دست داده، دیگر اولویت واشنگتن نیست. همزمان، جی دی ونس کاهش «معنادار» ظرفیت غنی سازی را شرط توافق دانسته و مارکوروبیو نیز مدعی شده اقتصاد ایران در «سقوط آزاد» قرار دارد و تهران کنترل کامل هرمز را از دست داده است.

طرح ادعاهای مذکور در حالی است که، تصویر فوق با همه داده های موجود همخوان نیست. یک مقام ارشد ایرانی به رویترز گفته مطالبات هسته ای آمریکا با شروط تهران تعارض دارد و به رسمیت شناختن حق غنی سازی خط قرمز ایران است؛ در عین حال امکان مذاکره درباره جزئیات غنی سازی را رد نکرده است. گزارش های الجزیره نیز از استمرار نقش میانجی قطر و انتقال مواضع میان طرفین حکایت دارد؛ بنابراین وضعیت موجود را دقیق ترمی توان اختلاف عمیق بر سر ترتیب و محتوای امتیازات دانست تا پایان کامل کانال مذاکرات.

عادی نمایی وضعیت هرمز با برجسته سازی افزایش صادرات و کوچک نمایی هزینه عبور

خط دوم بر این گزاره متمرکز است که هرمز عملاً باز شده است. روبیو گفته حجم نفت عبوری تقریباً به سطح پیش از جنگ رسیده و ایران «کنترل کامل» تنگه را از دست داده است. داده های کپلر نیز

از بازیابی بخش قابل توجهی از صادرات نفت منطقه حکایت دارد.

افزایش حجم صادرات لزوماً معادل عادی شدن کشتیرانی نیست. رویترز گزارش داده از ۲۸ سپتامبر تا ۱۵ اکتبر دست کم ۱۲ حادثه علیه نفتکش‌ها و شناورهای حامل گاز ثبت شده؛ بالاترین رقم هفتگی از آغاز جنگ. سازمان بین‌المللی دریانوردی نیز ۹ حادثه راثبت کرده و در تازه‌ترین مورد، برخورد پرتابه با نفتکش «آن پیس» ۱۲ خدمه را مجروح کرده است. شاخص‌های اقتصادی نیز از استمرار وضعیت فوق‌العاده حکایت دارند. فایننشال تایمز گزارش داده دستمزد برخی ناخداهای عبوری از هرمز به ماهانه ۱۰۰ هزار دلار به علاوه حدود ۵۰ هزار دلار پاداش برای هر عبور رسیده، دریانوردان چند برابر حقوق معمول «پول خطر» دریافت می‌کنند و هزینه بیمه خطر جنگ برای برخی نفتکش‌ها تا میلیون‌ها دلار افزایش یافته است. رویترز نیز نرخ کرایه برخی نفتکش‌ها را بیش از ۱۰۲ میلیون دلار در روز گزارش کرده و وضعیت امنیتی را «فزاینده و غیرقابل پیش‌بینی» توصیف کرده است.

القای دست برتر آمریکا با تفکیک مصنوعی افزایش صادرات از هزینه حفظ آن

تهران نیز روایت «بازگشایی کامل» را رد کرده است. سردار محمد رضا نقدی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران از تداوم کنترل ایران سخن گفته و اظهار داشته که مسیرهای محدود مورد استفاده برای انتقال نفت مسدود خواهند شد؛ محمد باقر قالیباف نیز پیش‌تر بازگشایی هرمز را به اجرای شروط هفت‌گانه ایران گره زده بود.

از منظر رسانه‌ای، نیاز مبرم واشنگتن به مهار بازار انرژی و جلوگیری از ارسال سیگنال منفی به بازارها می‌تواند توضیح‌دهنده تأکید مکرر بر «بازبودن هرمز» باشد. افزایش صادرات واقعی است، اما افزایش همزمان حملات، هزینه حمل و نقل، بیمه و دستمزد خدمه نشان می‌دهد این جریان با هزینه و مخاطره‌ای به مراتب بالاتر از شرایط عادی حفظ می‌شود. از این منظر، مرتبط کردن ادعای «بن بست مذاکرات» با «بی‌اهمیت شدن هرمز»، کارکردی فراتر از گزارش وضعیت دارد: القای فرسایش دواهرم اصلی تهران و تثبیت تصویر دست برتر آمریکا در جنگ و مذاکرات؛ روایتی که برای دولت ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای نیز واجد ارزش سیاسی بالایی است.

ادراک‌سازی از کاهش اهرم هرمز با برجسته‌سازی طرح پرهزینه انتقال نفت عراق به بنادر سوریه

در ادامه تلاش‌ها برای یافتن مسیرهای جایگزین تنگه هرمز، بلومبرگ گزارش داده بغداد از دمشق خواسته صادرات نفت خام عراق از طریق خاک سوریه و بندر بانیا س تسهیل شود. یوسف قبلای، مدیرعامل شرکت نفت سوریه، گفته توافق دو دولت تقریباً نهایی شده و نخستین محموله‌های نفت خام ممکن است از اواسط اکتبر با کامیون به بانیا س منتقل شوند. در حال حاضر نیز حدود

هزار کامیون برای انتقال نفت کوره در این مسیر فعالیت دارند.

برجسته سازی مسیر بانیا س برای القای شکل گیری جایگزین هرمز

با وجود ضریب رسانه ای این طرح، ظرفیت انتقال جاده ای در قیاس با صادرات روزانه حدود ۲۰۷ میلیون بشکه ای عراق محدود است و حتی گزارش های منتشر شده اذعان دارند محموله های کامیونی سهم کوچکی از صادرات عراق خواهند داشت. طرح بلند مدت تر، احیای کریدور نفتی عراق. سوریه است؛ اما بررسی های مستقل تصویر پیچیده تری ارائه می کنند.

رویتز پیش تر به نقل از منابع درگیر در پروژه گزارش داده احداث خط جدید به بندر بانیا س می تواند حداقل ۱۵ میلیارد دلار هزینه و حدود چهار سال زمان نیاز داشته باشد؛ زیرا بخش های مهم خط قدیمی جنگ زده و با استانداردهای جدید ناسازگار است و عملاً زیر ساخت تازه ای باید ایجاد شود.

کمرنگ سازی موانع امنیتی و اقتصادی در روایت «دورزدن هرمز»

علاوه بر هزینه مالی، مسیر عراق-سوریه از جغرافیایی عبور می کند که همچنان با ناامنی، آسیب زیر ساختی و تهدید سلول های داعش، به ویژه در بادیه و شرق سوریه مواجه است. داعش در سال جاری مرحله تازه ای از عملیات علیه دولت دمشق را اعلام کرده و حملات مرگباری نیز علیه نیروهای سوری انجام داده است.

از این منظر، برجسته سازی انتقال کامیونی و پروژه خط لوله به عنوان «جایگزین هرمز» در حالی صورت می گیرد که ظرفیت محدود، هزینه چند میلیارد دلاری، زمان طولانی اجرا و ریسک امنیتی بخش جدایی ناپذیر آن است. کمرنگ کردن این موانع، به تقویت این ادراک کمک می کند که اهمیت ژئوپلیتیکی هرمز رو به کاهش است؛ حال آنکه در کوتاه مدت، مسیر سوریه بیش از آنکه جایگزین عملیاتی صادرات خلیج فارس باشد، یک مسیر مکمل و پرهزینه برای کاهش بخشی از ریسک عراق محسوب می شود.

هراس افکنی از تبدیل عراق به پایگاه پیشرو ایران برای انتقال جنگ از تنگه هرمز به عمق منطقه

مایکل دوران، پژوهشگر ارشد مؤسسه هادسون و مدیر «مرکز صلح و امنیت در خاور میانه» این مؤسسه، در یادداشتی با عنوان «جنگ ایران به کدام سومی رود؟» مدعی شده است با افزایش فشار آمریکا بر ایران در تنگه هرمز و خروج نیروهای آمریکایی از عراق، تهران در صدد انتقال مرحله بعدی مواجهه با واشنگتن از خلیج فارس به خاک عراق است. هسته اصلی تحلیل دوران بر این گزاره استوار است که تضعیف حماس و حزب الله و از میان رفتن مسیر سوریه، از گزینه های منطقه ای تهران کاسته و عراق را در کنار یمن به مهم ترین عرصه باقی مانده برای اعمال فشار بر

آمریکا و متحدانش تبدیل کرده است.

اعتباربخشی به راهبرد محاصره ایران با برجسته سازی ادعای دست برتر آمریکا در تنگه هرمز

دوران ابتدای کوشش نقطه آغاز سناریوی عراق راناکامی نسبی ایران در اعمال فشار از مسیر هرمز معرفی کند. به ادعای او، فرماندهی مرکزی آمریکا با محاصره بنادر ایران، هدف گیری رادارها، مین ریزها و پرتابگرهای موشکی و اسکورت کشتی های حامل نفت، طی ماه های اخیر به انتقال بیش از یک میلیارد بشکه نفت از هرمز کمک کرده است. نویسنده اگرچه اذعان دارد حجم کشتیرانی هنوز به وضعیت عادی بازنگشته و قیمت نفت نیز حدود ۳۰ دلار بالاتر از پیش از جنگ قرار دارد، این شرایط را نشانه برخورداری واشنگتن از «دست برتر» توصیف نموده است.

این صورت بندی در عمل به اعتباربخشی به سیاست محاصره اقتصادی و دریایی ایران و ادعای موفقیت ترامپ در بازگشایی نسبی هرمز منجر می شود. چنین روایتی و بازتاب روایت های مشابه در رسانه های غربی در آستانه انتخابات کنگره می تواند برای ترامپ و جمهوری خواهان کارکرد تبلیغاتی داشته باشد و طولانی شدن جنگ را نه نشانه ناکامی واشنگتن، بلکه بخشی از یک راهبرد فرسایشی موفق علیه تهران بازنمایی کند.

دوران در همین چارچوب، با تصویرسازی منفی از سردار احمد وحیدی، اورانماد افزایش غلبه نگاه نظامی بر ساختار سیاسی ایران معرفی کرده و حتی مدعی حرکت جمهوری اسلامی به سمت نوعی «دیکتاتوری نظامی» تحت سیطره سپاه شده است. نویسنده عامدانه تهران را انعطاف ناپذیر و فاقد آمادگی برای مصالحه تصویر می کند تا نتیجه بگیرد افزایش فشار اقتصادی، ایران را به عقب نشینی سوق نخواهد داد و تهران در مقابل، «تسلیمات و جغرافیای جنگ» را تغییر خواهد داد.

هراس افکنی از خلأ پس از خروج آمریکا با بازنمایی عراق به عنوان پایگاه پیشرو ایران

مهم ترین بخش یادداشت به عراق اختصاص دارد. دوران حمله پهبادی ادعایی از خاک عراق به خط لوله شرق غرب عربستان را نشانه تلاش تهران برای تکمیل «راهبرد دو تنگه» می داند و مدعی است خروج آخرین نیروهای آمریکایی در ۳ سپتامبر، فرصت تبدیل عراق از یک «عقبه مورد مناقشه» به «پایگاه پیشرو» ایران را فراهم کرده است.

در سناریوی ترسیمی او، جنوب عراق می تواند مبدأ حملات پهبادی و موشکی علیه کویت، تأسیسات نفتی، آب شیرین کن ها و پایگاه های آمریکا باشد؛ غرب عراق امکان اعمال فشار زمینی و موشکی بر اردن را فراهم می کند و اقلیم کردستان نیز پس از خروج سامانه های دفاعی آمریکا در معرض حملات بیشتری قرار خواهد گرفت. دوران حتی احتمال عملیات خرابکارانه، نفوذ سلولی و عبور نیروها از مرزها را مطرح می کند و مدعی است استفاده از بازیگران عراقی، امکان گسترش جنگ همراه با کاهش قابلیت انتساب مستقیم اقدامات به تهران را فراهم می سازد.

زمینه سازی برای خلع سلاح مقاومت عراق و اعتبار بخشی به حملات احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی

تمرکز گسترده دوران بر عراق را می توان واجد چند کارکرد سیاسی. امنیتی دانست:

❖ تصویر سازی منفی از کتائب حزب الله، کتائب سیدالشهدا و دیگر گروه های مقاومت به عنوان نیرو هایی تابع تهران که منافع ایران را بر حاکمیت و منافع ملی عراق مقدم می کنند

❖ اعتبار بخشی به مطالبه خلع سلاح مقاومت عراق و افزایش فشار بر بغداد برای اجرای سریع تر انحصار سلاح در اختیار دولت و جلوگیری از تمدید عملی مهلت گروه ها

❖ متهم کردن ایران به سوء استفاده از جغرافیا و حاکمیت عراق برای انتقال هزینه مواجهه با آمریکا به بغداد و کشورهای عربی همسایه

❖ تلاش برای تخریب مناسبات بغداد. تهران از طریق القای اینکه تداوم روابط امنیتی با ایران، عراق را در معرض تبدیل شدن به میدان جنگ منطقه ای قرار می دهد

❖ زمینه سازی برای اعتبار بخشی به حملات احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه مواضع مقاومت عراق؛ به ویژه آنکه برخی محافل صهیونیستی اخیراً خروج نیرو های آمریکایی را به معنای کاهش یکی از محدودیت های عملیاتی اسرائیل و باز تر شدن دست تل آویو برای هدف گیری مواضع گروه های مقاومت در عراق صورت بندی کرده اند.

در مجموع، هسته راهبردی یاد داشت دوران انتقال کانون «تهدید ایران» از هرمز به عراق است. این چارچوب از یک سو سیاست فشار و محاصره ترامپ را موفق باز نمایی می کند و از سوی دیگر، با تبدیل عراق به «جبهه بعدی»، زمینه روایی لازم برای افزایش فشار بر گروه های مقاومت، امنیتی سازی روابط بغداد و تهران و توجیه اقدامات نظامی احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی در خاک عراق را فراهم می سازد.

ذهنیت سازی از شکل گیری اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی با القای همگرایی جهان غرب، اعراب و آمریکای لاتین علیه ایران

وبسایت صهیونیستی جروزالم پست در تحلیلی با عنوان «آیا جهان در حال روی گردانی از جمهوری اسلامی ایران است؟» کوشیده مجموعه ای از تحولات ماه های اخیر را در قالب شکل گیری تدریجی یک اجماع فرامنطقه ای علیه تهران صورت بندی کند. نقطه عزیمت گزارش، بیانیه ۱۰ کشور قاره آمریکا علیه آنچه «فعالیت های تروریستی و نفوذ مخرب ایران» خوانده شده و همچنین اعلام ۵۶ کشور برای اجرای محدودیت های سازمان ملل علیه برنامه های هسته ای، موشکی، پهپادی و تسلیحاتی ایران است.

برجسته سازی ادعای گسترش جغرافیایی جبهه فشار علیه تهران

جروزالم پست برای اثبات ادعای خود سه حوزه را برجسته نموده است:

❖ در آمریکای لاتین، قطع روابط کلمبیا با ایران، تروریستی اعلام شدن سپاه از سوی بوگوتا، سخت تر شدن مواضع آرژانتین و پاراگوئه و نزدیکی دولت جدید ونزوئلا به رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار گرفته است.

❖ در اروپا نیز قرار گرفتن سپاه در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا، اقدامات بریتانیا و بیانیه ۲۲ دولت غربی درباره ادعای طراحی عملیات علیه مخالفان، روزنامه نگاران و اهداف یهودی و اسرائیلی، نشانه عبور اروپا از فشار سیاسی به مواجهه امنیتی معرفی می شود.

❖ محور سوم به کشورهای منطقه اختصاص دارد. نویسنده با برجسته کردن محکومیت حملات موشکی و پهپادی ایران از سوی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، اردن و سپس مجموعه ای شامل مصر، ترکیه، پاکستان، جمهوری آذربایجان، لبنان و سوریه، مدعی است جنگ دامنه کشورهای راکه حاضر به تقابل علنی با تهران هستند گسترش داده است.

جروزالم پست با این حال در گزارشش اذعان نموده که روسیه و چین همچنان پشتوانه های مهم ایران هستند، قطر نقش میانجی را حفظ کرده و حضور کشورهای در بیانیه های مشترک الزاماً به معنای تشکیل یک ائتلاف ضد ایرانی نیست.

اعتبارزایی برای تقابل نظامی با تصویرسازی از ایران به عنوان «تهدید جهانی»

در سطح رسانه ای، کنار هم قرار دادن پرونده های هسته ای، موشکی، اتهامات تروریستی، امنیت دریایی و منازعات منطقه ای، تصویری از جمهوری اسلامی به عنوان تهدیدی فراتر از رژیم صهیونیستی و خاورمیانه تولید می کند. از این منظر، وزن دهی جروزالم پست به روایت «چرخش جهان علیه ایران» رامی توان در چارچوب تلاش رسانه ای برای کاستن از تصویر تقابل دوجانبه تهران. تل آویو و ارائه جنگ های گذشته تل آویو علیه ایران به عنوان بخشی از مواجهه ای گسترده تر بررسی کرد؛ چارچوبی که در صورت تشدید مجدد درگیری، می تواند برای اعتبار بخشی سیاسی و رسانه ای به جنگ احتمالی آینده علیه ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد.

تصویرسازی از آینده مطلوب ایران پس از جمهوری اسلامی با محوریت رضا پهلوی و در سایه عادی سازی مناسبات با رژیم صهیونیستی

گیلا گملیل، وزیر علوم و فناوری رژیم صهیونیستی و از چهره های اصلی ارتباط دولت نتانیا هو با طیفی از مخالفان جمهوری اسلامی، در واکنش به پیام رضا پهلوی در سومین سالگرد عملیات هفتم اکتبر، ضمن تشکر از «همبستگی» او، بار دیگر از تغییر نظام سیاسی ایران حمایت و پهلوی را در قامت یکی از بازیگران ایران پس از جمهوری اسلامی بازنمایی کرده است. رضا پهلوی نیز در پیام خود، جمهوری اسلامی را مسئول حمایت از حماس معرفی کرده و مدعی شده «ایران آزاد» به دوست و شریک اسرائیل تبدیل خواهد شد.

اعتباربخشی به رضا پهلوی با بازنمایی «توافقی‌های کوروش» به عنوان آینده روابط تهران و تل‌آویو

گملیل با استناد به کوروش هخامنشی و طرح ادعای سابقه ۲۵۰۰ ساله روابط ایرانیان و یهودیان، از روزی سخن گفته که جمهوری اسلامی از میان برود، پهلوی بتواند از داخل ایران به «رهبری و خدمت» ادامه دهد و دوطرف «توافقی‌های کوروش» را امضا کنند. این ادبیات در امتداد تحرکات پیشین اوست؛ گملیل در سال ۲۰۲۵ میزبان هیئت کارشناسی اعزامی پهلوی برای بررسی ایران پس از جمهوری اسلامی بود و صریحاً اعلام کرد رژیم اسرائیل از پهلوی حمایت می‌کند، زیرا به ادعای او ایرانیان نیز از وی پشتیبانی می‌کنند. جروزالم پست نیز سفر آن هیئت رابخشی از برنامه ریزی برای همکاری‌های آب، انرژی، فناوری و بازسازی ایران در دوره پساجمهوری اسلامی توصیف کرده بود.

تصویرسازی مثبت از رژیم صهیونیستی همزمان با تشویق مخالفان جمهوری اسلامی به پیشبرد پروژه تغییر نظام

این خط ارتباطی پس از جنگ‌های ۱۲ و ۳۹ روزه و وقوع اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ برجسته‌تر شده و در آن، تفکیک «مردم ایران» از جمهوری اسلامی، القای حمایت رژیم صهیونیستی از اپوزیسیون و ارائه تصویری مطلوب از همکاری‌های اقتصادی و فناوری پس از تغییر نظام در کنار حمایت از پهلوی قرار گرفته است. گملیل پیش‌تر نیز از ظرفیت رژیم برای کمک به مشکلات آب، کشاورزی، انرژی و فناوری ایران سخن گفته و «توافقی‌های کوروش» را مکملی برای الگوی توافقی‌های ابراهیم معرفی کرده بود.

تعارض روایت «دوستی با ایرانیان» با حمایت گزارش شده از گروه‌های تجزیه طلب‌گرد

بازنمایی رژیم اسرائیل به عنوان حامی «آزادی و تمامیت ایران» در حالی صورت می‌گیرد که رویترز در مارس ۲۰۲۶، به نقل از سه منبع مطلع، گزارش داد رژیم صهیونیستی از برنامه گروه‌های مسلح گرد ایرانی مستقر در عراق برای تصرف شهرهای مرزی ایران حمایت می‌کند و حملات جنگنده‌های صهیونیستی در غرب ایران نیز با هدف کمک به تحرک این گروه‌ها انجام می‌شد. این گزارش از رایزنی گروهک‌هایی از جمله پژاک، حزب دموکرات کردستان ایران و حزب آزادی کردستان با آمریکا و رژیم صهیونیستی سخن می‌گفت؛ موضوعی که در همان زمان نگرانی‌هایی درباره بی‌ثباتی و پیامدهای تمامیت ارضی ایران ایجاد کرد.

در مجموع، پیام اخیر گملیل را می‌توان ادامه راهبرد ارتباط مستقیم با جامعه ایرانی و اپوزیسیون، مشروعیت‌بخشی به رضا پهلوی و ترسیم تصویری مطلوب از رژیم تل‌آویو در فردای تغییر نظام دانست. محور «کوروش» نیز در این چارچوب نقش پل هویتی را ایفا می‌کند؛ روایتی که می‌کوشد تقابل کنونی را صرفاً منازعه اسرائیل با جمهوری اسلامی معرفی و همزمان همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی تهران و تل‌آویو در دوره پساجمهوری اسلامی را عادی‌سازی کند.

برجسته سازی احتمال ورود نیروهای تحریرالشام به جنگ یمن برای القای گسترش جبهه منطقه ای علیه انصارالله

همزمان با تشدید درگیری های یمن، گزارش هایی درباره مذاکره عربستان و دولت احمدالشرع برای اعزام نیروهای تحریرالشام به جبهه جنگ علیه انصارالله منتشر شده است. آکسیوس به نقل از سه مقام آمریکایی نوشته دمشق اعزام نیرو را بررسی می کند و واکنشگتن نیز اصولاً با این ایده مخالفتی ندارد؛ حتی یک منبع از ظرفیت اعزام ۱۰ تا ۲۰ هزار نیرو سخن گفته است. با این حال تصمیم نهایی اتخاذ نشده و رویترز نیز تأکید کرده گزینه های دمشق از حمایت دفاعی و فنی تا اعزام نیرو متغیر است.

برجسته سازی «ائتلاف منطقه ای» برای ترمیم تصویر بازدارندگی عربستان

این گمانه زنی ها در امتداد فضا سازی محافل سعودی درباره گسترش حمایت ترکیه و پاکستان از ریاض قابل ارزیابی است؛ روایتی که با برجسته کردن ورود متحدان جدید، می کوشد از شکل گیری جبهه ای گسترده علیه انصارالله تصویر سازی کند. این در حالی است که رویترز از دشواری نبرد در ارتفاعات یمن و توانایی های ارتقا یافته انصارالله سخن گفته و گزارش های میدانی نیز از تسلط انصارالله بر ساحل دریای سرخ و تشدید فشار در تعز حکایت دارد. در چنین شرایطی، ضریب دادن به نیروهای خارجی می تواند کارکردی برای حفظ انگیزه نیروهای همسوی ریاض و کاستن از اثر روانی دستاوردهای میدانی انصارالله داشته باشد.

بزرگ نمایی ظرفیت دمشق برای ورود به جنگی جدید در خارج از مرزها

طرح نقش آفرینی نیروهای وابسته به ساختار جدید سوریه بی سابقه نیست؛ ترامپ پیش تر نیز از نقش احتمالی احمدالشرع در «رسیدگی به حزب الله» سخن گفته بود. با این حال، تحقق یک اعزام گسترده با محدودیت های جدی روبه روست. ارتش سوریه هنوز در حال بازسازی و ادغام گروه های مسلح سابق است؛ دمشق با تنش گُردی، استمرار فعالیت داعش، بحران سویدا و گروه های مسلح دروزی و حملات مکرر اسرائیل مواجه است. رویترز نیز ارزیابی کرده مشارکت محدود فنی یا دفاعی محتمل تر از ورود گسترده سوریه به جنگ یمن است.

از این رو، ارقام چند ده هزار نفری در شرایط کنونی بیش از آنکه بیانگر تصمیم عملیاتی تثبیت شده باشند، بخشی از جنگ ادراکی پیرامون گسترش ائتلاف ضد انصارالله به نظر می رسند؛ حتی در صورت تحقق همکاری دمشق، محدودیت های داخلی سوریه احتمالاً دامنه آن را به تعداد محدودی نیرو یا پشتیبانی تخصصی کاهش خواهد داد.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ بازنمایی درخواست استیضاح عباس عراقچی به عنوان نشانه تشدید اختلاف میان جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی بر سر مذاکره با آمریکا و حدود اختیارات دیپلماسی
- ❖ برجسته‌سازی مخالفت برخی نمایندگان با برکناری عراقچی در شرایط جنگی و طرح احتمال تضعیف موقعیت سیاسی تهران در برابر واشنگتن
- ❖ ادعای مؤسسات دموک و رابرت برلین درباره تداوم شبکه‌های نفوذ جمهوری اسلامی ایران پس از ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ و بازسازی ساختارهای غیرمتمرکز وابسته به ایران در آلمان
- ❖ برجسته‌سازی نقش شبکه‌های آذری-ترک و آوجی به عنوان ساختارهای جایگزین مرکز اسلامی هامبورگ با تأکید بر فعالیت ۲۳ انجمن مسجدی و ارتباط ادعایی ۱۸ مورد با ایران
- ❖ طرح ادعای تبدیل فرانکفورت به کانون جدید فعالیت‌های سازمانی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران با محوریت مسجد حضرت فاطمه زهرا (س)، شبکه‌های مذهبی راین-ماین و چهره‌های شیعی ترک تبار
- ❖ تصویرسازی از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جریان‌های چپ ضد امپریالیست، گروه‌های دانشجویی و جنبش‌های حامی فلسطین با تأکید بر همگرایی سیاسی علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی
- ❖ بازنمایی راهپیمایی روز قدس ۲۰۲۶ فرانکفورت و نقش سازمان کمونیستی آلمان به عنوان مصادیق انتقال فعالیت‌های تبلیغاتی شبکه‌های منتسب به ایران از نهادهای مذهبی به گروه‌های سیاسی غیردینی
- ❖ اعتباربخشی فاکس نیوز به روایت مایک والتز درباره تغییر موازنه منطقه‌ای به زیان ایران پس از هفتم اکتبر و تضعیف موقعیت گروه‌های همسو با تهران در سوریه، لبنان و عراق
- ❖ برجسته‌سازی ادعای رویترز درباره انتقال ۲۰۰ میلیون دلار از ایران به حزب‌الله با وجود محاصره دریایی و تحریم‌های آمریکا با تأکید بر استمرار حمایت مالی تهران از این جنبش
- ❖ بازنمایی افزایش هزینه انتقال منابع مالی ایران به حزب‌الله با ادعای دریافت کارمزد ۲۰ درصدی و انسداد مسیرهای عراق و دبی، هم‌زمان با برجسته‌سازی تکذیب این انتقال از سوی وزارت خارجه آمریکا

رصد و تحلیل

بازنمایی ثبت استیضاح عراقچی به مثابه نشانه تشدید شکاف سیاسی در تهران بر سر مذاکره با آمریکا و حدود اختیار دیپلماسی

رسانه‌های بین‌المللی ثبت درخواست استیضاح عباس عراقچی را در چارچوب مناقشه درون ساختار سیاسی ایران درباره نحوه مواجهه با آمریکا و حدود اختیارات دستگاه دیپلماسی در شرایط جنگی بازتاب داده‌اند. نقطه کانونی اغلب گزارش‌ها، ادعای شماری از نمایندگان درباره انجام تماس با مقامات آمریکایی در نیویورک بدون مجوز است؛ ادعایی که هم‌زمان با روایت‌های متعارض مقام‌های ایرانی درباره سطح هماهنگی این تماس‌ها همراه شده است.

بازنمایی شکاف میان جریان‌های سیاسی بر سر ادامه مذاکره

یورونیوز با برجسته کردن نقش نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری، استیضاح را نشانه‌ای از اختلاف درون جمهوری اسلامی بر سر اصل و شیوه پیگیری مذاکرات با واشنگتن معرفی کرده است. این رسانه در عین حال به اظهارات مخالفان استیضاح پرداخته که کنار گذاشتن وزیر خارجه در شرایط جنگی را «نشانه ضعف» در برابر دشمن می‌دانند؛ روایتی که اختلاف رانه میان حکومت و عراقچی، بلکه میان طیف‌های مختلف درون ساختار قدرت تصویر می‌کند.

پررنگ‌سازی ابهام درباره زنجیره تصمیم‌گیری سیاست خارجی

وب‌سایت ویون و نشنال نیوز بیش از همه بر پرسش «چه کسی مجوز مذاکره داده است؟» تمرکز کرده‌اند. این دور رسانه با کنار هم قرار دادن اظهارات متناقض نمایندگان، شورای عالی امنیت ملی و رسانه‌های رسمی ایران، تصویری از ابهام و اختلاف بر سر مرجع تصمیم‌گیری درباره تماس مستقیم با آمریکا ارائه می‌کنند. نشنال نیوز مشخصاً اختلاف روایت‌ها درباره مأموریت عراقچی برای انتقال شروط ایران از طریق واسطه‌ها یا مجاز بودن تماس مستقیم را برجسته کرده است.

پیوند دادن استیضاح با آسیب‌پذیری دولت پزشکیان

اوراسیادیلی با تمرکز بر اتهام «عبور از خطوط قرمز» و «خطای محاسباتی»، عمدتاً استیضاح را در چارچوب نارضایتی طیفی از نمایندگان از مدیریت پرونده آمریکا بازتاب داده است. در مقابل، بی‌این کریپتواین تحول را به فشارهای اقتصادی، کاهش صادرات نفت و حتی احتمال تأثیر اختلافات سیاسی بر روند مذاکرات و بازار انرژی پیوند زده و کوشیده آن را بخشی از فشار گسترده‌تر بر دولت پزشکیان نشان دهد.

جمع‌بندی

برآیند این پوشش‌ها، ساخت تصویری از تهران درگیر کشمکش داخلی بر سر چگونگی پایان دادن به جنگ و تنظیم رابطه با واشنگتن است. با این حال، اکثر رسانه‌ها نیز تصریح کرده‌اند که ثبت درخواست استیضاح هنوز به معنای ورود آن به دستور کار رسمی مجلس یا قریب الوقوع

بودن برکناری عراقچی نیست. از این رو، وزن رسانه‌ای ماجرا فعلاً بیش از پیامد نهادی آن، متوجه نمایش شکاف سیاسی، ابهام در سازوکار تصمیم‌گیری و محدودیت فضای مانور دیپلماسی ایران شده است.

طرح ادعای بازسازی شبکه نفوذ ایران در آلمان پس از ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ با محوریت فرانکفورت و پیوند با چپ ضد امپریالیست

مؤسسه دموک و مؤسسه رابرت برلین کمیته یهودیان آمریکا در گزارش سیاستی مشترکی در سال ۲۰۲۶، با عنوان «پس از ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ؛ شبکه‌های غیرمتمرکز، فضاهای جدید نفوذ و تاب‌آوری اسلام‌گرایی شیعه دوازده امامی در آلمان»، به قلم کریستوف گومروامیل مینک، مدعی شده‌اند که ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ در سال ۲۰۲۴، اگرچه ساختار مرکزی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در اروپا را تضعیف کرده، اما به فروپاشی شبکه‌های وابسته به ایران منجر نشده و زمینه بازآرایی آن‌ها در قالب ساختارهای غیرمتمرکز و ائتلاف‌های سیاسی جدید را فراهم آورده است.

مهم‌ترین ادعاها و گزاره‌های گزارش

❖ **تداوم شبکه‌های نفوذ ایران پس از ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ:** گزارش مدعی است این مرکز طی دهه‌های گذشته مهم‌ترین نهاد سازمانی جمهوری اسلامی در اروپا بوده و وظایف هدایت ایدئولوژیک، تأمین مالی، تربیت روحانیون و ارتباط با حزب الله لبنان را برعهده داشته است. با این حال، شبکه‌های وابسته به آن توانسته‌اند بخشی از کارکردهای ازدست‌رفته را بازسازی کنند.

❖ **شکل‌گیری ساختارهای جایگزین با محوریت شبکه‌های ترک و آذری:** نویسندگان از دو مجموعه «شبکه آذری-ترک» و «شبکه آوجی» به عنوان مهم‌ترین ساختارهای جایگزین نام می‌برند. به ادعای گزارش، شبکه نخست دارای ۲۳ انجمن مسجدی در آلمان است که ۱۸ مورد آن در زمره شبکه‌های اسلام‌گرای نزدیک به ایران طبقه‌بندی شده‌اند.

❖ **تبدیل فرانکفورت به کانون جدید فعالیت‌های مرتبط با ایران:** گزارش با برجسته‌سازی مسجد حضرت فاطمه زهرا، شبکه‌های مذهبی منطقه راین-ماین و نقش افرادی مانند اونا کایماکچی و اسماعیل آوجی، مدعی انتقال تدریجی بخشی از فعالیت‌های سازمانی از هامبورگ به فرانکفورت و تقویت جایگاه این شهر در شبکه‌های شیعی اروپا شده است.

❖ **گسترش نفوذ به جریان‌های چپ و جنبش‌های حامی فلسطین:** از مهم‌ترین ادعاهای گزارش، افزایش همکاری شبکه‌های شیعی نزدیک به ایران با گروه‌های ضد امپریالیست، دانشجویی و حامی فلسطین پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. نویسندگان معتقدند مخالفت با اسرائیل و آمریکا، زمینه نفوذ روایت‌های جمهوری اسلامی به محیط‌هایی خارج از ساختارهای مذهبی را فراهم کرده است.

❖ **بازنمایی راهپیمایی روز قدس ۲۰۲۶ به عنوان الگوی جدید شبکه سازی:** گزارش مدعی است در مراسم ۱۴ مارس فرانکفورت، فعالان چپ ضد امپریالیست برای نخستین بار مسئولیت های اصلی ثبت، سازمان دهی و تبلیغات را برعهده گرفتند؛ درحالی که شبکه های سنتی شیعی همچنان حضور داشتند. نویسندگان این تغییر را نشانه انتقال بخشی از کارکردهای تبلیغاتی جریان های نزدیک به ایران به گروه های غیردینی می دانند.

❖ **اتهام مشارکت سازمان کمونیستی آلمان در عملیات نفوذ ایران:** گزارش، «سازمان کمونیستی» را حلقه واسط میان جمهوری اسلامی، شبکه های مذهبی و چپ ضد امپریالیست معرفی می کند. به طور مشخص، آیتک برانی و محمود ابوعوده به عنوان چهره هایی معرفی شده اند که به ادعای نویسندگان، از طریق فعالیت های دانشجویی، رسانه ای و حمایت از فلسطین، روایت های مطلوب تهران را ترویج می کنند.

❖ **طرح ادعای ورود شبکه های نزدیک به ایران به عرصه سیاست حزبی:** گزارش به نامزدی یونس چاکار، از فعالان شبکه آوجی، برای شهرداری اوسترهلتس - شاربک از سوی حزب چپ آلمان اشاره کرده و آن را نمونه ای از امکان نفوذ سیاسی این شبکه ها می خواند؛ هرچند تصریح می کند نامزدی وی در پی اعتراضات داخلی لغو شد و او از حزب کناره گرفت.

❖ **ادعای بین المللی شدن ائتلاف های حامی ایران:** نویسندگان با اشاره به فعالیت گروه های چپ در فرانسه، آمریکا، ایرلند و یونان، مدعی اند الگوی نزدیکی جریان های ضد امپریالیست به جمهوری اسلامی از آلمان فراتر رفته است. گزارش همچنین حضور فعالان خارجی در مراسم حکومتی ایران را بخشی از روند گسترش «عملیات نفوذ فراملی تهران» توصیف می کند.

❖ **درخواست تشدید اقدامات امنیتی علیه شبکه های مرتبط با ایران:** گزارش در بخش توصیه های سیاستی، خواستار گسترش نظارت اطلاعاتی بر افراد و شبکه های غیررسمی، کنترل منابع مالی و سفرهای خارجی، اخراج عوامل منتسب به سپاه، افزایش تحریم ها و ممنوعیت کامل حزب الله در اتحادیه اروپا شده است. همچنین بر پیگیری ساختارهای جایگزین سازمان های ممنوعه تأکید دارد.

جمع بندی

جهت گیری اصلی گزارش، بازتعریف مسئله نفوذ ایران در آلمان از فعالیتهای نهاد های مذهبی رسمی به شبکه ای گسترده از بازیگران سیاسی، اجتماعی و رسانه ای است. در این چارچوب، نویسندگان می کوشند همگرایی برخی جریان های چپ و حامی فلسطین با مواضع جمهوری اسلامی را به عنوان نشانه استمرار و حتی تحول ظرفیت نفوذ تهران معرفی کنند. با این حال، بخشی از این انتساب ها بر تحلیل پیوندهای سازمانی، همپوشانی های سیاسی و اشتراکات گفتمانی استوار است و لزوماً به معنای اثبات هدایت مستقیم همه بازیگران از سوی ایران نیست. برآیند

سیاستی گزارش نیز زمینه سازی برای گسترش دامنه اقدامات امنیتی و محدودیت های حقوقی علیه شبکه های منتسب به جمهوری اسلامی در آلمان و اروپا است.

برجسته سازی رسانه های بین المللی از بحران سیاسی و شکاف های ساختاری رژیم صهیونیستی در سومین سالگرد ۷ اکتبر هم زمان با تشدید انتقادات از نتانیا هو و تردید درباره آینده غزه

رصد گزارش ها و تحلیل های رسانه های غربی به مناسبت سومین سالگرد عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (طوفان الاقصی) نشان دهنده فاصله گرفتن بخشی از پوشش رسانه ای از روایت صرفاً امنیتی و یادبود «قربانیان» و حرکت به سمت ارزیابی پیامدهای سیاسی، اجتماعی و راهبردی سه سال جنگ برای رژیم صهیونیستی و منطقه است. در این چارچوب، انتخابات ۱۲۷ اکتبر اسرائیل، مسئولیت نتانیا هو در شکست اطلاعاتی، تداوم حضور نظامی در غزه، آینده حماس و فرسایش جایگاه بین المللی تل آویو به محورهای اصلی تحلیل ها تبدیل شده اند.

باین حال، رویکرد رسانه ها یکسان نیست. در حالی که بلومبرگ، آتلانتیک، بی بی سی و مجله تایم بر بحران حکمرانی و هزینه های راهبردی جنگ تأکید دارند، فاکس نیوز و بخشی از تحلیل های فری پرس همچنان پیامدهای ۷ اکتبر را در چارچوب تهدید حماس، ضرورت مقابله با نیروهای همسو با ایران و بازسازی بازدارندگی اسرائیل صورت بندی می کنند.

تبدیل سالگرد ۷ اکتبر به صحنه محاکمه سیاسی نتانیا هو

بی بی سی در گزارش «اسرائیلی ها سه سال پس از حملات ۷ اکتبر خواستار پاسخ گویی درباره ناکامی های امنیتی هستند»، بر خودداری نتانیا هو از پذیرش مسئولیت و تشکیل کمیسیون مستقل تحقیق تمرکز کرده است. این رسانه با بازتاب اعتراض خانواده های قربانیان، اختلاف میان مقامات نظامی و سیاسی و هشدارهای نادیده گرفته شده پیش از عملیات، انتخابات پیش رورا نوعی همه پرسی درباره صلاحیت امنیتی نخست وزیر معرفی می کند.

رادیو ملی آمریکا (NPR) نیز با پرداختن به گزارش های مربوط به هشدارهای مصر، امارات و پیام غیرمستقیم یحیی سنوار، روایت نتانیا هو درباره غافلگیری کامل رازیر سؤال برده است. براساس این گزارش، منابعی مدعی شده اند محمد بن زاید و مقامات اطلاعاتی مصر پیش از عملیات نسبت به احتمال انفجار وضعیت غزه هشدار داده بودند؛ ادعاهایی که نتانیا هو آنها را رد کرده است.

در همین راستا، رویترز با بازتاب شعار معترضان مبنی بر اینکه «مردم ۷ اکتبر را در ۱۲۷ اکتبر به یاد خواهند آورد» پیوند میان حافظه جمعی عملیات و رقابت انتخاباتی را برجسته ساخته است.

بازنمایی انتخابات اسرائیل به عنوان آزمون بقای ساختار سیاسی

آتلانتیک در یادداشت «سه سال پس از ۷ اکتبر، به نازل عوز بازگشتم» تصویری فراتر از شکست امنیتی ارائه داده و فرسایش نهادهای عمومی، مهاجرت نیروهای متخصص، بحران خدمات

اجتماعی و وابستگی نتانیا هو به احزاب راست افراطی و مذهبی رانسانه های ضعف ساختاری اسرائیل معرفی می کند.

این تحلیل با اشاره به خروج حدود ۲۷۰ هزار اسرائیلی برای دوره های دست کم سه ماهه طی سال های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ و احتمال مهاجرت بخشی از جامعه در صورت پیروزی مجدد نتانیا هو، هشدار می دهد که بقای ائتلاف کنونی می تواند روند خروج سرمایه انسانی و انزوای سیاسی اسرائیل را تشدید کند.

مجله تایم از زاویه ای متفاوت، در مقاله «۱۷ اکتبر چگونه اسرائیل را تغییر داد» استدلال می کند که گرایش جامعه اسرائیل به راست گرایی و فاصله گرفتن از راه حل دو کشوری، پیش از این عملیات آغاز شده بود. براساس داده های مورد استناد این رسانه، حمایت از راه حل دو کشوری از ۷۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۱ درصد در سال ۲۰۲۶ رسیده است.

تایم همچنین تناقض مهمی را برجسته می سازد: اکثریت احتمالی مخالفان نتانیا هو الزاماً به معنای تقویت جریان صلح نیست؛ زیرا بخش مهمی از اپوزیسیون نیز با تشکیل دولت فلسطینی و مشارکت احزاب عربی در ائتلاف حکومتی مخالفت دارد.

تشکیک در تحقق اهداف جنگ و بازتعریف موقعیت حماس

واشنگتن پست در گزارش «سه سال پس از ۱۷ اکتبر، حملات اسرائیل در غزه ادامه دارد و شمار قربانیان افزایش می یابد»، با استناد به تحلیل کارشناسان، آتش بس ۲۰۲۵ اکتبر ۲۰۲۵ را توافق عمده و اسمی توصیف می کند. به نوشته این روزنامه، ادامه حملات اسرائیل، گسترش تدریجی مناطق تحت کنترل ارتش و فقدان پیشرفت در بازسازی غزه نشان می دهد که اعلام پایان جنگ به معنای حل بحران نبوده است.

رویتز و آسوشیتد پرس نیز بر تداوم کنترل رژیم صهیونیستی بر حدود دوسوم غزه، حضور حماس در بخش باقی مانده و شرایط بحرانی زندگی فلسطینیان تأکید دارند. آسوشیتد پرس با بازتاب بیانیه سالگرد حماس گزارش داده که این جنبش همچنان از عملیات ۱۷ اکتبر دفاع می کند و مدعی است این اقدام مسئله فلسطین را بار دیگر به مرکز توجه جهانی بازگردانده است.

در مقابل، فری پرس در یادداشت «فاجعه بارترین روز تاریخ فلسطین» از منطری انتقادی نسبت به حماس، استدلال می کند که عملیات ۱۷ اکتبر به بزرگ ترین فاجعه معاصر فلسطینیان منجر شد. نویسنده، ضمن انتقاد از تلفات گسترده غیر نظامیان در حملات اسرائیل، امتناع بخشی از جریان های حامی فلسطین از نقد تصمیمات و عملکرد حماس را یکی از موانع بازاندیشی درباره آینده غزه می داند.

بدین ترتیب، در این مجموعه گزارش ها، بقای حماس در کنار تخریب گسترده غزه و استمرار کنترل نظامی اسرائیل، نشانه حل نشدن مسئله اصلی جنگ و ابهام در نظم سیاسی پس از جنگ معرفی

برجسته‌سازی انزوای رژیم صهیونیستی و گسترش شکاف در غرب

بلومبرگ در تحلیل «میراث ۷ اکتبر نتانیا هو، انزواست» استدلال می‌کند که شدت عملیات نظامی اسرائیل در غزه و گسترش جنگ به لبنان و ایران، همدردی اولیه بین‌المللی با اسرائیل را به موج فزاینده مخالفت سیاسی تبدیل کرده است.

این رسانه با اشاره به افزایش نگاه منفی رأی‌دهندگان دموکرات آمریکایی نسبت به اسرائیل از ۵۳ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۸۰ درصد در سال جاری، از تضعیف اجماع سنتی واشنگتن درباره حمایت نظامی و مالی از تل‌آویو سخن می‌گوید و احتمال می‌دهد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ آمریکا به عرصه بازنگری جدی در روابط دو طرف تبدیل شود.

نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان نیز در پوشش موضع‌گیری زهران ممدانی، شهردار نیویورک، شکاف درون جامعه سیاسی آمریکا را بازتاب داده‌اند. ممدانی ضمن محکوم کردن حملات حماس، اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» توصیف کرد؛ موضعی که انتقاد شدید شماری از رهبران سازمان‌های یهودی و حمایت‌گروه‌های مترقی را به دنبال داشت.

در مقابل، فاکس نیوز با برجسته‌کردن واکنش دنی دانون، سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل، تلاش کرده این موضع‌گیری را مصداق انحراف از یادبود قربانیان ۷ اکتبر و حمله سیاسی به اسرائیل معرفی کند.

تقابل روایت پیروزی راهبردی با تصویر فرسایش منطقه‌ای

در تحلیل تبعات منطقه‌ای، دوازیابی متعارض بیش از سایر روایت‌ها به چشم می‌خورد. فاکس نیوز با بازتاب اظهارات مایک والتز، نماینده آمریکا در سازمان ملل، بر این ادعا تأکید می‌کند که عملیات ۷ اکتبر برخلاف اهداف ایران و گروه‌های همسو با آن نتیجه داده و موازنه منطقه‌ای را به زیان تهران تغییر داده است. والتز با اشاره به تحولات سوریه، لبنان و عراق، این روند را زمینه‌ای برای گسترش روابط منطقه‌ای اسرائیل معرفی کرده است.

در سوی مقابل، آسوشیتد پرس، تایم و بлумبرگ جنگ‌های گسترش یافته از غزه به لبنان و ایران را از منظر افزایش هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک ارزیابی می‌کنند. در این روایت، تغییر موازنه نظامی الزاماً به معنای دستیابی اسرائیل به ثبات پایدار یا موفقیت سیاسی نیست؛ به ویژه آنکه آینده غزه، جایگاه فلسطینیان و احتمال استمرار درگیری‌های منطقه‌ای همچنان نامشخص است.

جمع‌بندی

برآیند پوشش رسانه‌ای سومین سالگرد ۷ اکتبر نشان می‌دهد این رویداد از یک نقطه عطف امنیتی به معیاری برای سنجش کارنامه سیاسی نتانیا هو، آینده حماس و پیامدهای منطقه‌ای

جنگ تبدیل شده است. وجه مشترک بخش مهمی از تحلیل ها، فاصله میان دستاوردهای ادعایی نظامی اسرائیل و حل نشدن بحران های بنیادین سیاسی و امنیتی است. با این حال، اختلاف بر سر مسئولیت بحران و مسیر خروج از آن همچنان پابرجاست. رسانه های منتقد نتانیا هو بر ناکارآمدی حکمرانی و انزوای بین المللی تأکید می کنند، در حالی که رسانه های نزدیک تر به مواضع رژیم صهیونیستی، تداوم تهدید حماس و ضرورت حفظ فشار نظامی را برجسته می سازند.

ادعای رویترز درباره انتقال ۲۰۰ میلیون دلار از ایران به حزب الله با وجود محاصره اقتصادی آمریکا و افزایش فشار بر شبکه های مالی مقاومت

رویترز در گزارشی اختصاصی با عنوان «حزب الله برای کمک به آوارگان ۲۰۰ میلیون دلار از ایران دریافت کرده است» به نقل از دو منبع مطلع مدعی شد تهران ماه گذشته ۲۰۰ میلیون دلار به حزب الله منتقل کرده است؛ اقدامی که با وجود تشدید تحریم ها و محاصره دریایی آمریکا صورت گرفته است.

بر اساس این گزارش، واسطه های انتقال پول به دلیل مخاطرات همکاری با حزب الله، کارمزدی ۲۰ درصدی، معادل چهار برابر نرخ معمول، دریافت کرده اند. منابع رویترز می گویند حزب الله قصد دارد به حدود ۵۰ هزار خانوار آواره، در مرحله نخست نفری ۳ هزار دلار کمک کند. رویترز همچنین مدعی شد مسیرهای انتقال منابع مالی از عراق و دبی مسدود شده و شبکه های مالی در ترکیه نیز تحت فشار قرار گرفته اند. در مقابل، وزارت خارجه آمریکا اصل انتقال پول را تکذیب کرده و آن را ادعایی برای ترمیم اعتبار حزب الله دانسته است.

این گزارش با توصیف منابع مالی به عنوان «اکسیژن حزب الله»، بر تلاش مخالفان این جنبش برای قطع جریان تأمین مالی آن تأکید دارد.

برآیند محتوای گزارش نشان می‌دهد **چند خط خبری و رسانه‌ای** به طور هم‌زمان در حال شکل دادن به یک فضای عمومی پرتنش هستند: نخست، **خط سیاست داخلی** که حول **مشروعیت‌زدایی**، بازتعریف رابطه حاکمیت و جامعه، برنامه‌های اقدام اصلاح‌طلبی و امنیتی شدن نقد منتقدان سازمان می‌یابد. دوم، **خط امنیتی-نظامی** که با آماده‌باش **سنتکام**، سناریوهای حمله، تحرکات مرزی و حملات به پایگاه‌های آمریکایی، تصویری از تهدید چندجبهه‌ای ترسیم می‌کند. سوم، **خط اقتصادی و معیشتی** که بحران دیزل، هزینه حمل‌انرژی، اختلال گاز، فشار دارویی، ضعف زیرساخت بانکی و ابهام در حمایت‌های کالا برگ را به مسئله امنیت اقتصادی و نارضایتی اجتماعی پیوند می‌زند. چهارم، **خط رسانه‌های معاند و ضد انقلاب** که با پرونده‌های هفت اکتبر، اعدام‌ها، خانواده‌های دی‌ماه و کمک مالی به حزب الله، بر **اعتبارزدایی و قطبی‌سازی** متمرکز است. پنجم، **خط منطقه‌ای و بین‌المللی** که با برجسته‌سازی جایگزین‌های هرمز، نقش سوریه، عراق، یمن، آلمان و اسرائیل، جنگ را از سطح دوجانبه به یک **بحران شبکه‌ای** تبدیل می‌کند.

پیامد اصلی این هم‌زمانی، افزایش **هزینه سیاسی** نقد، گسترش **امنیتی‌سازی** مطالبات و تعمیق **شکاف روایت‌ها** میان حاکمیت، جامعه و رسانه‌هاست. در آینده، اگر فشارهای بیرونی و داخلی ادامه یابد، رقابت بر سر **مشروعیت**، **تاب‌آوری اجتماعی**، **کنترل هرمز**، **امنیت انرژی** و نتیجه **انتخابات آمریکا و رژیم صهیونیستی** تعیین‌کننده تر خواهد شد. احتمال تشدید درگیری پس از انتخابات، افزایش تحرکات مرزی، فشار بر شبکه‌های مالی مقاومت و بحران گاز در زمستان، می‌تواند این روند را به مرحله‌ای تازه وارد کند. در چنین وضعیتی، **روایت‌سازی رسانه‌ای** نه فقط بازتاب واقعیت، بلکه خود به ابزاری برای شکل دادن به **ادراک عمومی**، **مشروعیت‌زدایی** و **مدیریت بحران** تبدیل می‌شود.

مرکز صد و پایش ق. رسانه